

گرانی و فقر، ارمغان سرمایه داری وابسته و جنگ برای مردم ما

در سند اصلی پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

"چرخش میات حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیای نظام منحصراً سرمایه داری وابسته، تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیای مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و هسانی و همسویی بیشتر با دول امپریالیستی تقاضا می کند، جامعه را با بحران اجتماعی-اقتصادی و سیاسی روپرو ساخته است."

"تورم فزاینده، گرانی سرسام آور، افزایش سریع هزینه زندگی، بی کاری فراگیر، ادامه مهاجرت روستاییان از هستی ساقط شده به شهرها، گسترش فساد، اختلاس، غارت

بی سابقه تروریست های اقتصادی، تحت حمایت میات حاکمه، تشدید وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقفه صادرات و بالاخره تکیه بردرآمد نفت برای ادامه حیات اقتصادی کشور، نشانه بارز تعمیق بحران در جمهوری اسلامی است" (ویژه نامه "راه توده" - ص ۷).

طی ماه های گذشته بحران اجتماعی-اقتصادی حاکم بر مبین ماد به دم تمسیق و گسترش یافته است و به موازات آن ملموس ترین مظاهر بحران، تورم فزاینده - بیش از ۴۰٪ در سال - گرانی سرسام آور و افزایش سریع هزینه زندگی که طاقت زحمتکشان را می فرساید، تشدید بقیه در صفحه ۱۰

راه توده

نشریه ماهانه حزب توده ایران در خارج از کشور

دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۱۲ مطابق
۹ ژوئن ۱۹۸۴
شماره ۹۷
بها: ۴۰ ریال

دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۱۲ مطابق
۹ ژوئن ۱۹۸۴
شماره ۹۷
بها: ۴۰ ریال

روح پول پوتیسیم در

کالبد سردمداران رژیم!

خطبه های نماز جمعه تهران در ۲۵ خرداد و بحث در مورد "جنایات استکبار جهانی نسبت به غیر سفید پوست ها" که ظاهراً در راستای موضوع عدالت اجتماعی (!) باید ایراد می شد، بهانه ای شد تا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، کینه ضد کمونیستی خود را بار دیگر آشکار کند. او که ظاهراً حدود ۷-۸ ماه قبل از وضعیت نامساعد بقیه در صفحه ۷

"آنتی کمونیسم" که به سیاست دولتی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده، روز به روز ابعاد بزرگ تری به خود می گیرد. مسئولین ریز و درشت رژیم، مربوط و نامربوط، در مناسبت های گوناگون دنبال بهانه ای هستند تا با تحریف حقایق و ایراد اتهامات سخیف و بی پایه به ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم واقعا موجود لجن پراکنی کنند.

جنگ جنگ بر ویرانه ایران!

آتش جنگ جنایتکارانه ای که با تحریک و تشویق امپریالیسم آمریکا، بین دو کشور همسایه ایران و عراق برپا شد و با نفت پاشی های مداوم این دشمن غدار خلق های منطقه و جهان، تا کنون فروخته نگاهداشته شده است، آنچنان مصائب و خساراتی برای مردم رنج دیده مبین ما و مردم عراق به بار آورده است که نه فقط نسل حاضر، بلکه نسل های آتی هردو کشور باید سال ها تاوان آن را بپردازند. عقربیت آدم خوار و هستی سوز جنگ، هزار هزار نیروی جوان و کارآزمی مبین ما را در کام مرگ آور خود فرو می بلعد و ایران را به ویرانه ای بدل می سازد که بازسازی آن، به قیمت خون و رنج میلیون ها زحمتکش میهنمان و فرزندان آنان تمام خواهد شد.

کمیسیون اقتصادی برآورد خسارات جنگ در گزارشی که اخیراً منتشر ساخت، گوشه ای از آثار ویرانگر جنگ را منعکس کرده است.

بر اساس این گزارش:

"کل خسارات وارده تا پایان سال ۱۳۶۱ به ۱۶۳ میلیارد و ۶۹۶ میلیون و ۷۵ هزار دلار (۱۶۳,۶۹۶,۰۷۵,۰۰۰ دلار) بالغ شده است" (اطلاعات - ۲ تیرماه ۶۳).

طبق این گزارش، بخش اعظم خسارات برآورد شده، زیان های وارده به سازمان ها و نهادهای دولتی است. همچنین هزینه های تحمل شده توسط نهادهای انقلابی و مردمی و در پاره ای موارد خسارت وارده به شرکت های خصوصی نیز منعکس شده است.

خسارات وارده بر چند بخش مختلف اقتصادی کشور به شرح زیر در گزارش مندرج است:

بقیه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی

در تدارک خرید یک میلیون نارنجک!

نشریه تولیدات شرکت نام برده که عضو گروه شرکت های "والپاری با اکیپلوسیز" است با این سفارش به میزان ده هزار نارنجک در ماه افزایش خواهد یافت. نشریه جورنال دوپرزیل اضافه می کند:

"تولیدات این شرکت تا کنون عمدتاً، صرف تجهیز ارتش برزیل می شده که تنها مقدار کمی از آن را به شیلی و بولیوی صادر کرده اند. ولی با بقیه در صفحه ۱۵

در حالی که مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ حائسان برانداز ایران و عراق اند، حکام جمهوری اسلامی سفارش خرید یک میلیون نارنجک را می دهند.

اخیراً یک نشریه برزیلی به نام "جورنال دوپرزیل" در شماره ۲۱ ماه مه ۱۹۸۴ خود فاش کرد: جمهوری اسلامی ایران در حال مذاکره برای خرید یک میلیون نارنجک از یک شرکت دولتی برزیلی به نام "اکیپلو" است؛ بر اساس خبر این

دو سیاست در برخورد با تنش های موجود در خلیج فارس

● سیاست امپریالیسم آمریکا برهم زدن امنیت و گسترش قانون تشنج

● سیاست اتحاد شوروی تأمین امنیت و برقراری صلح در منطقه

صفحه ۲

احسان طبری: ناکجا آباد

● گفتاری درباره رزم نسل ها، به خاطر آینده ای بهتر و هدف های والاتر زندگی

صفحه ۸

محافل مترقی جهان، خواهان پایان جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی دو کشور شدند!

صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

دو سیاست در برخورد با تنش های موجود در خلیج فارس

● سیاست امپریالیسم آمریکا برهم زدن امنیت و گسترش کانون تشنج

● سیاست اتحاد شوروی تأمین امنیت و برقراری صلح در منطقه

مخاطرات ممکنه و مسئولیت پیامدهای خطرناک سیاست خود و مسئولیت تلاش برای مداخله در اموری که در ناحیه خلیج فارس روی می دهد را به عهده دارد."

این موضع گیری صریح جای هیچ گونه تفسیری باقی نمی گذارد. این موضع گیری با روند تشدید تشنجات و وخیم تر شدن اوضاع هیچ گونه تغییری نکرده و اتحاد شوروی بر مواضع اصولی خود استوار ایستاده است.

گلوبکی کورنیونکو قائم مقام وزارت خارجه اتحاد شوروی در دیدار با مدیرکل سیاسی وزارت خارجه جمهوری اسلامی که در پی مسافرت او به مسکو انجام گرفت باردیگر تصریح کرده اتحاد شوروی مخالف هر اقدامی از سوی کشورهای خارجی در منطقه خلیج فارس است. وی گفت:

"ما طرفدار احترام به اصل کشتی رانی آزاد در تمام دریاهای آزاد از جمله در خلیج فارس می باشیم و در عین حال مخالف هر اقدامی از طرف کشورهای خارجی در منطقه، حتی با هدف برقراری امنیت در خلیج فارس خواهیم بود" (کیهان-۱۹ خرداد ۶۳).

اتحاد شوروی نه تنها هیچ گونه سهمی در حدت بخشیدن به اوضاع ندارد، بلکه همواره کوشش کرده است با استفاده از تمام امکانات خود کشورهای منطقه، از جمله ایران و عراق را به پایان دادن به جنگ و جلوگیری از گسترش آن ترغیب کند. اتحاد شوروی نه تنها هیچ ناوگانی به منطقه گسیل نداشته است، بلکه حضور گسترده و فزاینده نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را محکوم می کند.

چگونه می توان از عقل سلیم برخوردار بود و ادعا کرد که اتحاد شوروی با توجه به اوضاع کنونی در منطقه و نقش امپریالیسم آمریکا در آن، در پی پیشبرد سیاست مشترک و هماهنگی با آمریکا است. سیاست اتحاد شوروی روشن است. پس باید در عقل سلیم مبلغان این افکار واهی شک کرد.

مطبوعات و رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در روزهای اخیر تبلیغات گسترده ای پیرامون رأی شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره جنگ ایران و عراق و اوضاع خلیج فارس به راه انداخته اند.

سردمداران جمهوری اسلامی می کوشند با مستمسک قرار دادن رأی مثبت اتحاد شوروی به این تصویب نامه، به اصطلاح خود سیاست واحد و مشترک "دو ابر قدرت" را علیه "انقلاب اسلامی" ایران به نمایش بگذارند. رسانه های گروهی جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفته اند که حتی "جرج شولتز" وزیر امور خارجه آمریکا را نیز به کمک گرفته اند تا از زبان وی اعلام کنند "آمریکا و شوروی مشترکاً و هماهنگ علیه ایران تلاش می کنند" (۱۹ فروردین ۱۳۶۳). عیار این گفته "شولتز" و تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی را می توان با بررسی مختصر اوضاع منطقه و مواضع دو کشور به روشنی دید.

تلاش های امپریالیسم آمریکا و متحدانش در جهت ژرف تر ساختن بحران خلیج و شعله ورتر ساختن آتش جنگی است که صلح منطقه را تهدید می کند.

در برابر این اقدامات جنگ افروزان و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، سیاست روشن و اصولی اتحاد شوروی در تأمین امنیت و صلح در منطقه به سود تمام خلق های ساکن در مجاورت آنست. بیادیه ها و اظهار نظره های رسمی رهبران و رسانه های اتحاد شوروی همه حاکی از این امر و ناشی از سیاست صلح دوستانه و بشر دوستانه اتحاد شوروی است.

خبرگزاری تاس در یک اظهاریه رسمی مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۶۲ خود سیاست اتحاد شوروی پیرامون تشدید خصومت ها و افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه را به روشنی مورد تأکید قرار داد. در این اظهاریه آمده است:

"اتحاد شوروی قاطعانه اقدامات خلاف قانون آمریکا را محکوم می کند و اظهار می دارد، مقرراتی را که دولت آمریکا خودسرانه برای محدودیت آزادی کشتی رانی در دریای آزاد و پرواز هواپیماها در فضای هوایی، بر فراز این دریاها اعمال کرده است به رسمیت نمی شناسد. دولت ایالات متحده آمریکا مسئولیت تمام

عملیات تجاوزگرانه در خلیج فارس ترغیب کند و از این طریق حیطه عملکرد پیمان تجاوزکار ناتو را به تمام جهان از جمله خلیج فارس گسترش دهد. آلمان فدرال نیز موافقت کرده است در صورت بروز حوادثی در خلیج فارس و اعزام نیروهای آمریکایی مستقر در این کشور به آن منطقه، جای خالی ۲۰۰ هزار تلفنگدار آمریکایی را با سربازان خود پر کند.

نادر حسن علی، وزیر امور خارجه مصر اعلام کرده است، آمریکا اجازه دارد از پایگاه های خود در مصر برای انجام عملیات احتمالی در خلیج فارس استفاده کند. امپریالیسم آمریکا ناوگروه بزرگی را به خلیج فارس اعزام داشته است. این ناوها در دو سوی تنگه هرمز آماده دستور سرفرماندهی سپاه و اکتش سریع اند. مقامات رسمی ایالات متحده آمریکا بارها رسماً اعلام کرده اند که در صورت گسترش آتش تشنجات و بسته شدن تنگه هرمز، وارد عملیات جنگی شده تا صدور آزادانه نفت را از آبراه خلیج تأمین کنند. مسئله خلیج فارس و عکس العمل آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو در دستور جلسه اخیر سران کشورهای عضو پیمان ناتو در آمریکا و سران هفت کشور عمده سرمایه داری در انگلستان قرار داشت.

تمام شواهد و قرائن حاکی از

اوضاع در خلیج فارس و پیرامون آن هر روز به طور فزاینده ای متشنج تر می گردد. آتش جنگ بی سرانجام بین عراق و ایران که اکنون به پایان سومین سال خود نزدیک می شود در حال گسترش به منطقه و تبدیل آن به یکی از متشنج ترین و خطرناک ترین کانون های درگیری در جهان است.

خلیج فارس با منابع عظیم نفت در کشورهای حوزه آن، یکی از مهم ترین مناطق، چه از لحاظ سیاسی و چه از نظر استراتژیک است. پیش از نیسی از انرژی نفتی مصرفی کشورهای امپریالیستی از خلیج فارس تأمین می شود. خلیج فارس در مجاورت مرزهای جنوبی اتحاد شوروی واقع است. امپریالیسم آمریکا، منطقه خلیج فارس را به منطقه "منافع حیاتی" خود اعلام کرده است. سپاه مداخله سریع آمریکا در پایگاه های مختلف آمریکایی واقع در منطقه پیرامون خلیج مستقر است. پایگاه های دریایی و هوایی آمریکا در عمان، سومالی، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و جزایر دیکوگارسیا هر لحظه آماده انجام اقدامات جنگی و مداخله گرانه در امور کشورهای منطقه است. ۱۹ کشور پیرامون خلیج فارس تحت شعاع عملیاتی این سپاه تجاوزگر قرار دارند. امپریالیسم آمریکا کوشش وافرانی به خرج می دهد تا متحدان ناتویی خود، به ویژه فرانسه و انگلستان را به شرکت در

مرکز بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

محافل مترقی جهان، خواهان پایان جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی دو کشور شدند!

هم چنان که در چند شماره گذشته "راه تووه" اشاره شد، طی برگزاری اعتصاب غذای ۵ روزه (۲۲-۲۶ ماه مه، مطابق با اول تا پنجم خرداد) از طرف دانشجویان دمکرات ایرانی مقیم ایتالیا در شهر رم، گروه کمونیست شورای شهر رم و حومه، با اعتصاب کنندگان دیدار و پشتیبانی خویش را از خواست‌های به حق آنان ابراز نمود. متعاقب این دیدار، گروه کمونیست شورای شهر رم بیانیه‌ای تهیه دید و تصویب آن را به سایر احزاب سیاسی شورا پیشنهاد کرد. این بیانیه از طرف احزاب زیر به امضاء رسید. لازم به یادآوری است، اقداماتی جهت عملی ساختن مفاد آن در دست انجام است:

- حزب کمونیست ● حزب سوسیالیست ● حزب سوسیال دمکرات ● حزب جمهوری خواه ● حزب دمکرات مسیحی ● دمکراسی پرولتاریا و حزب لیبرال ایتالیا.

متن بیانیه که در تاریخ ۲۸ ماه مه (هفتم خرداد ماه) به امضاء رسیده چنین است:

"شورای رم و حومه، نظر به وخامت جنگ میان ایران و عراق، دریافت خبر اعلام حملات قریب الوقوع و خطر توسعه جنگ به سایر کشورهای منطقه، خواهان آن است که از طرف این ارگان، اقدامات عاجل جهت ابراز اعتراض و نگرانی مردم نسبت به جنگی که از فداکاری و ناسیونالیسم سرچشمه می‌گیرد، به سفارت‌خانه‌های دو کشور ایران و عراق به عمل آید.

شورا همچنین از دولت ایتالیا می‌خواهد از تحویل اسلحه به دولت ایران و عراق خودداری نماید، اقدامات لازم را در سطح بین‌المللی، جهت برقراری صلحی عادلانه میان دو کشور انجام دهد و نیز به کمک نهادهای مربوطه، تعداد و هویت زندانیان سیاسی دو کشور و شرایطی که در آن بسر می‌برند، روشن شود. شورا در پایان، توجه مقامات



به دعوت کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر، حزب کمونیست فرانسه و سناتور لویی مینتی، نماینده مردم استان ماری، جلسه با شکوهی به مناسبت دفاع از جان زندانیان سیاسی مترقی و ابراز همبستگی با آنان، به ویژه اعضای در بند حزب توده ایران، در کاخ کنگره استان مذکور تشکیل شد. در این جلسه، گروه کثیری از اقشار و طبقات مختلف مسرّم، کارگران، دانشجویان، اساتید دانشگاه‌ها، وکلای دادگستری و سایر نیروهای مترقی فرانسه شرکت داشتند. جلسه با سخنان نماینده اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه آغاز شد. وی در مورد رویدادهای اخیر ایران، سیاست جنگ طلبانه حاکمیت جمهوری اسلامی و اعمال تظییقات و فشار علیه دگراندیشان، پیکرد و شکنجه و قتل بی‌رحمانه آنان توضیحاتی داد و سپس به شرح سابقه مبارزات درخشان

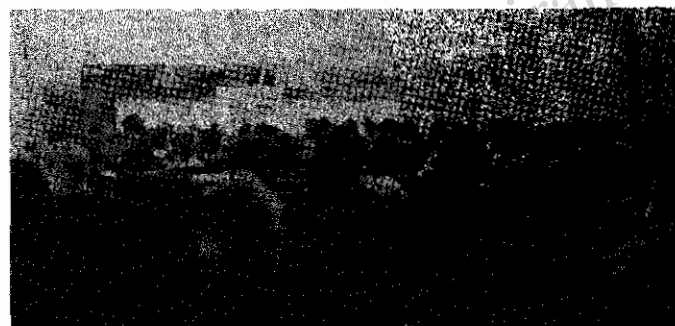
سیاسی ایتالیا را به شناسایی پناهندگان ایرانی و عراقی به عنوان پناهندگان سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق آنان جلب می‌کنند.

● از طرف گروه نمایندگان کمونیست پارلمان ایتالیا رفقا پیکتی، کلمبینی و کانولو، در تاریخ اول ژوئن (۱۱ خرداد)، ضمن طرح مسئله اعتصاب غذای دانشجویان دمکرات ایرانی - در رم، خواست‌های اعتصابیون و پشتیبانی وسیع نیروهای سیاسی و نهادهای اجتماعی این کشور از آن، از وزیر امور خارجه ایتالیا در موارد زیر سؤال می‌کنند:

۱- آیا تا کنون در چارچوب اقداماتی که از طرف دولت ایتالیا، جهت قطع جنگ به عمل آمده، فعالیتی در جهت متعهد کردن دولت ایران در زمینه به رسمیت شناختن حقوق زندانیان سیاسی و احترام به ابتدایی‌ترین این حقوق انجام شده و آیا در رابطه با اعزام هیأتی از پزشکان به این کشور، جهت بررسی وضع زندانیان چه اقدامی به عمل آمده؟

۲- در رابطه با مسئله پناهندگان سیاسی، با در نظر گرفتن این مطلب

چرا کار افرادی که در کشورشان تحت پیکرد قرار دارند، در ایتالیا به عنوان پناهنده سیاسی و حقوق آنان به این عنوان به رسمیت شناخته نمی‌شود؟
۲- آیا دولت در صدد ارائه لایحه‌ای که کلیه حقوق مربوط به پناهندگان سیاسی را در ایتالیا معین کند هست و در چه هنگام؟



جلسه کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر در ماری

حزب توده ایران و علل سرکوب آن به دست ارتجاع حاکم بر ایران پرداخت. پس از آن، یکی از مسئولین کمیته ایالتی حزب کمونیست فرانسه، مراتب همبستگی و محبتشان ماری را با زندانیان توده‌ای اعلام نمود. خانم دانیل پلتراک عضو "کمیته دفاع از حقوق و بقیه در صفحه ۱۱

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

کارنامه ۲ ساله وزارت صنایع سنگین

شده است - کلیه صنایع مادر باید در مالکیت دولت قرار گیرند. چگونگی مسخ و پایمال شدن این اصل قانون اساسی و یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب را بلاواسطه از زبان آقای نبوی می شنویم:

"... در برنامه ۵ ساله اول، کل سرمایه گذاری در صنایع سنگین کشور ۴۶/۱ میلیارد تومان است. از این مبلغ ۱۷ میلیارد تومان آن مربوط به بخش دولتی و بقیه که بالغ بر ۲۹ میلیارد تومان است در بخش خصوصی سرمایه گذاری خواهد شد. ... سال گذشته روی هم رفته صنایع سنگین برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی ۲ هزار موافقت اصولی به مبلغ ۷ میلیارد تومان صادر کرد."

ست اصلی برنامه ۵ ساله اول، واگذاری همه امکانات به بخش خصوصی برای تاخت و تاز و غارتگری در عرصه صنایع سنگین است. سرمایه گذاری بخش خصوصی در عرصه ای که بنا بر اراده مردم انقلابی و زحمتکشان میهنمان می بایست در کنترل دولت وفادار به آرمان های انقلاب باقی بماند، در سال گذشته بیش از ۲ برابر سرمایه گذاری دولتی در این عرصه است! وقت گذرانی و عدم قاطعیت دولت موقت پس از انقلاب، بی برنامه گی و یا ارائه برنامه های مخالف مصالح و اهداف انقلاب توسط دولت های بعدی، زمینه مساعدی برای تدوین برنامه ۵ ساله صنایع سنگین فراهم کرد که ست گیری آن در جهت وابستگی بیشتر صنایع به انحصارات امپریالیستی از یکسو و سپردن مقدرات این بخش مهم اقتصادی به سرمایه داران داخلی از سوی دیگر است.

نوسازی اجتماعی - اقتصادی، محتوای اساسی استراتژی نیروهای انقلابی است که بلافاصله پس از کسب حاکمیت سیاسی آغاز می گردد و به هیچ بهانه ای نمی توان این امر خطیر و حیاتی را به "بعد از" تحکیم پیروزی سیاسی موکول کرد. زیرا تحکیم پایه های انقلاب به میزان زیادی با دگر سازی بی وقفه و برنامه ریزی شده جامعه به سود اقلیت زحمتکشان ارتباط دارد.

بقیه در صفحه ۱۵

که در دوران پس از انقلاب نه تنها نوسازی در صنایع و ایجاد تأسیسات جدید صنعتی صورت نگرفته است، بلکه فرسایش بیش از حد ماشین آلات تولیدی به علت ایجاد شیفت های بیشتر کار و اضافه کاری، زمینه ای برای تولید بیشتر در اثر بهبود تکنولوژیک باقی نمی گذارد. ادامه جنگ بی سرانجام با عراق میلیتاریزه کردن جو کشور و کارخانجات به بهانه جنگ و ایجاد فضای وحشت و ارباب در واحدهای تولیدی، به وسیله ای برای سرکوب حرکت های مطالباتی کارگران برای افزایش دستمزد بدل شده است. با تعبیت حداقل دستمزد به میزان نا کافی ۲ سال پیش، روند فقر در میان طبقه کارگر روبه افزایش است. از حاصل کار زحمتکشان سوده های کلان نصیب انحصارات بین المللی شده است. ولی سطح زندگی زحمتکشان به زیر خط فقر تذل کرده است. میزان سوددهی صنایع مونتاژ وابسته را از خلال سخنان آقای نبوی می توان دریافت:

"... به هر حال آنچه در صنعت بیشتر از همه طی ۲ سال گذشته برای ما مطرح بوده، یکی بدهی های انباشته شده واحدهای تولیدی است که مقداری از آن مربوط به سرمایه داران سابق است که قبل از پیروزی انقلاب واحدهای تولیدی را در گرو بانک ها گذاشتند و پول آن را به خارج منتقل کردند. ... مجموعه این عوامل، صنایع دولتی زیر پوشش صنایع سنگین را با یک بدهی ۲۰ میلیارد تومانی روبرو کرد. این مشکل به خواست خدا با رشد تولید و سوددهی واحدهای تولیدی در حال رفع شدن است. ..."

۲۰ میلیارد تومان سود در عرض ۲ سال که آقای نبوی به آن اشاره می کند، غیر از سوده های کلانی است که انحصارات غارتگر بین المللی از فروش قطعات به کارخانجات صنعتی کسب کرده اند. این ارقام گویا ترین دلیل برای نشان دادن شدت استثمار کارگران میهن ماست.

باشتاب در مسیر

"راه رشد سرمایه داری"

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - که اکنون به دست ارتجاع حاکم مسخ

ماشین آلات مورد نیاز صنایع و تقلیل وابستگی صنعتی با اعتراف ضمنی به شکست این کوشش ها، فقط از برنامه های بدون پشتوانه آتی سخن می گوید و وعده تولید بخشی از قطعات در داخل کشور را می دهد. واقعیت اینست که نتیجه عملی در این زمینه تا کنون صفر است! برای اینکه در مورد کانال های تأمین قطعات مونتاژی برای صنایع تابعه وزارت صنایع سنگین شبهه ای باقی نماند، به سخنان آقای وزیر توجه کنید:

"... و اما در مورد محاصره اقتصادی لازم است اشاره کنم که در حال حاضر کشور ما محاصره اقتصادی ندارد، بلکه دنیا و به طور کلی همه شرکت های بزرگ صنعتی در دنیا به سوی ما روی آورده اند و اتفاقاً علاقمندند که بتوانند با کشور ما همکاری کنند. بنا بر این تأمین قطعات مورد نیاز ماشین آلات کارخانجات و تأمین مواد اولیه آن ها در حال حاضر از کانال هایی تأمین می شود که در دنیا وجود دارد و آن ها نیز اشتیاق (و البته اشتها) دارند که این امکانات را در اختیار ما بگذارند. ..."

"شرکت های بزرگ صنعتی دنیا کوه آقای وزیر نام می برد همان "انحصارات بزرگ امپریالیستی" هستند که در زمان رژیم گذشته نبض صنایع مونتاژ و وابسته ایران را در دست داشتند.

یکی از اهداف والای انقلاب، کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و کوتاه کردن دست انحصارات غارتگر بین المللی از کشورمان بود. حاکمیت جمهوری اسلامی در ۵ ساله پس از انقلاب، و وزارت صنایع سنگین در ۲ ساله حیات خود، نه تنها کام های عملی در جهت قطع وابستگی اقتصادی پر نداشته اند، بلکه پس از وقفه ای کوتاه مدت، با شتاب به احیاء مناسبات غارتگرانه امپریالیستی پرداخته اند.

افزایش تولید

و استثمار بیشتر کارگران

تردید نیست افزایش تولیدی که آقای نبوی از آن سخن می گوید، جز با تشدید آهنگ کار و بهره کشی بیشتر از کارگران میهنمان امکان پذیر نشده است. دلیل این امر آنست

در آستانه سومین سال تأسیس وزارت صنایع سنگین، روزنامه کیهان مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۶۳ با آقای بهزاد نبوی گفتگویی انجام داده است که طی آن آقای وزیر، برنامه ها و سیاست های وزارت خانه و عملکرد ۲ ساله آن را تشریح کرده است. اظهارات آقای نبوی، به عنوان یک مقام مسئول، تصویر روشنی از فشار بر طبقه کارگر، بازسازی وابستگی به انحصارات امپریالیستی، غلطیدن نظام اقتصادی کشور در مسیر وابستگی بیشتر به انحصارات امپریالیستی و تحمیل "راه رشد سرمایه داری" و بالاخره اثرات ویرانگر ادامه جنگ بی سرانجام با عراق به دست می دهد.

تشدید وابستگی اقتصادی

آقای نبوی در مورد عملکرد ۲ ساله وزارت صنایع سنگین می گوید: "همان طور که بارها گفته ام، کشور ما دارای صنعتی مونتاژ- وابسته و زیان ده بوده که بعد از پیروزی انقلاب و به دلیل تلاطمات ناشی از انقلاب خاصیت رکود هم به این صنعت اضافه شد. ... ابتدا برای دفع رکود و زیان دهی صنایع سنگین بیشتر از همه فشار را روی ازدیاد تولید متمرکز کرد که خوشبختانه با موفقیت روبرو شد. به طوری که در سال ۶۲، واحدهای تولیدی دولتی در سازمان گسترش و نوسازی ایران توانستند تولید خود را در مقایسه با سال ۵۶، ۲۸٪ و در مقایسه با سال ۶۰، ۶۰٪ با قیمت های ثابت بالا ببرند. ..."

در پس این بیلان دهی که با افتخار، به عنوان موفقیت وزارت صنایع سنگین ارائه می شود، حقایق تکان دهنده ای نهفته است که از پایمال شدن یکی از مهم ترین آماج های انقلاب - استقلال اقتصادی - حکایت می کند.

به کار اندازی صنایع مونتاژ وابسته و رساندن سطح تولید کالا های مصرفی به بالاتر از حد تولید سال ۵۶ - سال اوج وابستگی صنایع "سنگین" (یعنی مونتاژ) در رژیم شاه - گویا ترین دلیل پر تشدید وابستگی اقتصادی به انحصارات امپریالیستی است. آقای وزیر در همین گفتگودر مورد کوشش های ۲ ساله وزارت صنایع سنگین در جهت ساخت قطعات و

جنگ بر ویرانه ایران!

بقیه از صفحه ۱

بخش اقتصادی	میزان خسارت
کشاورزی	۴۰/۷ میلیارد دلار
نقست	۵۳/۷ " "
ساختمان و مسکن	۲/۹ " "
صنایع	۸/۲ " "
نیرو	۳/۷ " "

زحمتکش ایرانی مقایسه می‌کنیم:

حداقل دستمزد کارگران که از آغاز جنگ تا کنون ثابت نگه داشته شده، روزانه فقط ۶۲/۵ تومان است! مقایسه میزان خسارت وارده با

کدام انسان شرافتمندی است که از ابعاد نجومی این ارقام برخوردار شود و بر مسیبتین این آتش افروزی ویرانگر نفرین نفرستد؟

در گزارش مذکور به خسارت‌های وارده در طول سال ۱۳۶۲ و ۴ ماه اول سال ۱۳۶۳ که دوران ادامه توسعه طلبانه جنگ، توسط حکام جمهوری اسلامی ایران بوده و عمدتاً هدف‌های غیرنظامی، یعنی مراکز اقتصادی و مناطق شهری هردو کشور آماج حمله کور و جنون‌آسا قرار گرفته است، اشاره‌ای نشده است.

رقم ۱۶۲/۶۹ میلیارد دلار، تنها خسارت جنگ در عرض ۲ سال و نیم اول جنگ است! با یک محاسبه ساده - بدون در نظر گرفتن رشد تصاعدی خسارات از سال ۶۱ به بعد - رقم خسارات جنگ در عرض ۲ سال و ۴ ماه که از شروع آن می‌گذرد به رقمی معادل ۲۵۱ میلیارد دلار می‌رسد. این رقم برای نشان دادن عمق فاجعه، به قدر کافی گویاست.

با در نظر گرفتن نرخ تبدیل رسمی ارز - و نه نرخ عملی تبدیل ارز - ۲۵۱ میلیارد دلار برابر با ۲۲۵۹ میلیارد تومان است. میانگین خسارت روزانه جنگ، ۱/۶۶ میلیارد تومان و میزان خسارت روزانه سرانه ۴۱ تومان، و برای یک خانواده ایرانی که به طور متوسط از ۵ نفر تشکیل می‌شود و یک نفر نان آورده دارد، معادل ۲۰۵ تومان در روز است! برای اینکه عمق جنایت و خیانت حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی ایران که بر دامنه جنگ بی‌فرجام لاجوجانه پای می‌فروشند، بهتر آشکار شود، این رقم را با حداقل دستمزد یک کارگر

وابستگی شدید بودجه عمومی کشور به درآمد نفت، مگر می‌توان همه درآمد نفت را به امر بازسازی خرابه‌های جنگ اختصاص داد؟ سال‌های سال، فشار توان فرسای نتایج شوم جنگ بر دوش محرومان میهنان و نسل‌های آتی زحمتکشان سنگینی خواهد کرد. این خسارت عظیم بر ثروت‌های ملی و اموال عمومی کشور که تبلور کار و رنج کارگران و زحمتکشان میهن ماست وارد شده است.

زحمتکشان میهن ما، مدت‌هاست به خاطر دفاع از اهداف انقلاب، به خاطر دفاع از هستی و جان خود و فرزندانشان و به خاطر دفاع از

واقعیت اینست که اولین و اصلی‌ترین قربانی جنگ، انقلاب عظیم مردمی بهمن ۵۷ و دستاوردهای آن است. تحکیم موقعیت امپریالیسم جنگ‌افروز آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، باز شدن میدان برای تجار و سرمایه‌داران و زمین‌دازان بزرگ و اتخاذ راه نکبت‌بار سرمایه‌داری، گرانی و کمبود مایحتاج عمومی و تحمیل فقر به زحمتکشان، ایجاد جو رعب و وحشت در فضای میلیتاریزه شده کشور و مالا تسلیم تمام و کمال مقدرات میهن ما به امپریالیست‌های با خلفت از در رانده شده، محصول جنگ شومی است که بشریت مرفقی و زحمتکشان میهن ما مدت‌هاست برای توقف آن فریاد می‌کنند.

حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی ایران - آنان که به اهداف والای انقلاب و اعتماد مردم خیانت کردند باید پاسخگوی این همه جنایت و رنج حاصل از ادامه بی‌فرجام جنگ باشند.

آنان که برای تحمیل عقاید متحجر و قرون وسطایی خود بر مردم میهن ما از هیچ جنایتی ابا نکردند و برای تحمیل حکومت دلخواه خود بر کشور همسایه به ماجراجویی توسعه طلبانه پرداختند باید پاسخگوی این همه جنایت باشند.

آنان که حزب توده ایران، این مدافع راستین آماج‌های انقلاب را به خاطر موضع‌گیری علیه ادامه جنگ خانمان‌سوز به سلابه کشیدند تا به خیال‌خام خود با بریدن صدای حق، بلاعارض انقلاب را در پای امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا قربانی کنند باید پاسخگوی این همه جنایت باشند. آری، ارتجاع حاکم بر جمهوری اسلامی، مسئول مستقیم این همه جنایت علیه مردم ایران و تاریخ میهن ماست.

توده‌های میلیونی مردم با مبارزات متحد خود، هفرتیت جنگ را مهار خواهند کرد و مسیبتین این آتش افروزی را کیفری درخورد خواهند داد.



حاصل دسترنج‌شان که این چنین بر باد می‌رود، به مخالفت با جنگ برخاسته‌اند. آنان با گوشت و پوست خود لس کرده‌اند که: ده‌ها هزار جوان در کور خفته، هزاران مزرعه سوخته و خانه‌ها و کارخانه‌های ویران شده، میلیون‌آواره و معلول و مجروح، محصول جنگی است که حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی ایران با عنادی نابخردانه آن را ادامه می‌دهند.

آنچه در گزارش "کمیسیون برآورد خسارت جنگ" منعکس است، به هیچ‌وجه قادر نیست از همه مهابت آثار شوم جنگ پرده بردارد.

درآمد نفت - این سرمایه عظیم ملی - تصویر روشن‌تری از بی‌آمدهای هولناک جنگ به دست می‌دهد. طبق آمار رسمی، کل درآمد حاصله از استخراج، پالایش و فروش نفت و گاز در سال ۱۳۶۱ برابر با ۱۵۶/۲۵ میلیارد تومان بوده است.

بدینسان دیده می‌شود که در صورت قطع فوری جنگ، مجموع درآمد حاصل از ۱۵ سال فروش نفت و گاز برای جبران خسارات مالی جنگ لازم است. اگرچه از آغاز جنگ تا کنون این ثروت ملی یکسره به کام هفرتیت جنگ رفته است، اما با

به این جنگ خانمان‌سوز پایان دهید!

حیدر مهرگان

انسان طراز نو

آمیزه فلز و لبخند ،
آن قشون یک تنه

— عصاره نامتناهی —
که جوانی جهان برشانه‌های اوست

درانتظار ظهور
کلمات ترا آه می‌کشیدند

— گرچه هیچ کلامی گنجایش ترانداشت —
و از آن پیش که بیائی ،

برسر تقسیم روح
نبرد دهشتناک در گرفته بود .

قابله‌ای که ترا گرفت
از کودکی سخن گفت

که میان شاح و برگ انگشتانش
قمری‌ها رمز عشق‌ورزی می‌آموختند

و از لابلای انگشتان تردهش
چشم‌های بی‌حدقه

از روای بخارخون و مه عرق
به قندیل‌های اشک حسیره بودند ،

کودکی که از یک کتفش مرگ
و از کتف دیگرش زندگی

— چون ولع مارهای ضحاک —
در خیز و خرام بودند ،

و در لحظه ولادتش
گل‌های سرخ از خواب بیدار شدند .

به استقبال

پهلوانان از تندیس‌ها گریختند
و ترانه‌ها قفل واژه‌ها را شکستند ،

در زلال صبحی که هنوز از خماری بلک نگشوده بود
اشباح ناب‌ترین شهدای آینده

برآستانه سرگذشت تو صف کشیدند

برجای پای تو

اقاقیا سجده کرد

و عاشق‌ترین غزل‌ها

به نماز ایستادند

— زیبایی و برکت

از خواب سنگی بیدار شدند—

صدائی با طنین گور

از اعماق باستان آه کشید :

" تو کیستی که هجرانت

تعلیق آفتاب و ماه و قناری است "

و تمنائی که هیچ صدایی نداشت

راز بزرگ را گفت :

" کلید ماه

در زیر سنگی خزه بسته

در چشمه بوسه اوست ،

و خورشید

در قعر چاهی دور

در ظلام گیسوی او
به جله نشسته است .

درمهر پائیزیات

که از شهر سنگستان می‌گذشت

آدم‌ها و برگ‌ها

در غربت و سایه می‌پوسیدند

آدم‌هایی از جنس ترس

آغشته به خونی کم رنگ

و پوشیده با گوشت پوک مومبائی

آدم‌های کاغذی

— چترکنویس آدم‌ها—

نه نوشته شده چون یک حماسه ،

که تصنیفی پیش پا افتاده

خونت

که خزه بسته بود بر سنگ‌ها و ماس‌ها

با سقوط هرستاره گل می‌داد

و از زخم‌های تازه بی‌شمار

— که یادگار میلادت بود —

صدای سنج و طبل برمی‌خاست :

" فقط خون جهان را می‌سازد "

— مبین عشق ،

— پایتخت رنج جهان کجاست ؟

در کوچمه باغ های غبار

می‌خواندی و می‌گذشتی :

— اجداد من

در کلمه‌ها خفته‌اند :

دختران من اما در کوهستان ،

سنگین‌ترین رویاها را

برشانه‌های مجروح می‌برند

جغرافیای من همه تاریخ است

در سنگلاخ‌ها

برای پلنگ‌ها و شاپرک‌ها

می‌خواندی و می‌گذشتی :

" رنگین گمان حادثه نزدیک است ،

مردانی از سحر

مردانی از مفرغ در راهند ،

مردانی از قصیده و ابریشم ،

این قافله هرگز از شب نمی‌گذرد "

از قلب چاک خورده غنچه ،

گلاب فواره می‌زد

و کلمات بشارت

با طنینی خون‌آلود

در باد و ابر تکرار می‌شدند :

" جهان باید بوسه‌ای شود ،

به شمار همه‌گونه‌ها "

در ریش نرم آفتاب سرسبز

که از گریبان تو سر می‌زد ،

طلمس معجزه ترک می‌خورد

و ماقبل تاریخ به پایان می‌رسید .

رفیق شهید تیزابی:

"من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم"



یاقتم، کینه ام کور بود، اما ایمانم چراغ در دست داشت، هیچ دستی بلندتر از دست حقیقت نیست..."

هوشنگ تیزابی، در طول زندگی سیاسی خود ۲ بار به اسارت تبهکاران آریامهری درآمد و عاقبت

طبقاتی و ملی، راه استفاده از کلیه اشکال متناسب نبرد به فراخور وضع ونیرو و بنا به مقتضیات زمان. رفیق هوشنگ، پیش قراول جوانان بی شماری شد که عاقبت قدرت و افتخاران را یافتند که به زیر درفش گرد آیند که تن به باد قرون داده است و بر آن، نام گردان رزمنده طبقه کارگر ایران و مشی سیاسی و مبانی ایده ای اش نقش بسته و هزاران دست حقیقت جو، دست قهرمانان نامدار و گمنام حافظ آئند، رفیق در این زمینه می گفت:

"من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم، نفرت از حزب توده، میراث پدرم بود. اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را خودم

هفتم تیرماه، دوازده سال از شهادت رفیق قهرمان توده ای، هوشنگ تیزابی گذشت.

هوشنگ تیزابی نخستین توده ای از نسل نو بود که بر سر آرمایان های خلقی و حزبی اش، جان خود را تقدیم کرد. او مظهری از آن دسته مبارزان جوان و پرشوری بود که از نخستین گام، راه درست نبرد را نیافته بودند، ولی در جریان مبارزه ای دشوار، در برخورد با واقعیات، در رویارویی با منطق بی تردید حقایق سرسخت و به قیمت تجربه های پر درده، بی بردند، راهی که حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران نشان می دهد، راه درست... است؛ راه نبرد توده ای، راه شکل مبارزه

در هفتم تیرماه ۱۳۵۲ این قهرمان توده ای که در سرزمین ستم دیده ایران، آوای عشق و زندگی می خواند، زیر شکنجه های وحشیانه ددمنشان ساواک چشم بر جهان فرو بست، بی آنکه لب از لب باز کند.

ما در دوازدهمین سال شهادت رفیق شهید توده ای، با خون رفیق خود پیمان می بندیم که راه پرشکوهش را ادامه دهیم، از پاکیزگی ایدئولوژی علمی و ازمشی سیاسی حزب خود دفاع کنیم و در راه رهایی مین ستم دیده از چنگال مرتجعین حاکم بر آن از پای نلشیم.

راه تیزابی، راه حزب توده ایران، پرافتخار باد.

وقیحانه و با افتخار اعلام کرد، اگر هر فرد مخالف را "به ما تحویل بدهند... در عرض ۳ ماه انباشت می کنیم... که دیگر از این گونه اراجیف نگویید". جمهوری اسلامی از آزادی زندانیان سیاسی، حتی پس از اتمام مدت "محکومیت" آن ها نیز خودداری می کند و آن را منوط به ترک عقاید سیاسی قبلی و پذیرفتن معیارهای "مکتبی" خود می سازد. در واقع مرتجعین حاکم بر کشور کار تحمیل عقیده را به جایی رسانده اند که ناله برخی از بلند پایگان حکومتی خود را نیز در آورده اند، آن ها می گویند:

"مانعی خواهیم افراد رزندان، با زور معتقد به اسلام و جمهوری اسلامی شوند".

حجت الاسلام رفسنجانی در قسمت دیگر خطبه خود، شیوه های اعدام و کشتار پول پوتی را تشریح می کند. در اینجا باید به آقای رفسنجانی گوشزد کرد، جمهوری اسلامی نه تنها در محتوی که در شکل و شیوه نیز شانه به شانه جنایتکاران پول پوتی می ساید، آیا جمهوری اسلامی هزاران کودک و نوجوان را دسته جمعی به جوخه های اعدام نمی سپرد؟ زنان باردار را همراه با جنین تیرباران نمی کند؟ آیا شما قربانیان خود را با چرتقیل دار نزدید و با نمایش اجساد آن ها در کوی و برزن، در حالی که

بقیه در صفحه ۱۶

کشورهای بیگانه نکرده اند؟ مرتجعین حاکم بر جمهوری اسلامی به جز آن تفلکری که در چهارچوب تنگ "فقه سنتی" قرار می گیرد، کدام یک از دستاوردهای فرهنگ بشری را قبول دارند؟ شما تمام دستاوردهای اندیشه و هنر انسانی را تحت عناوین "ماده گرایی"، "غیرمکتبی"، "الحادی" و... منسوخ می دانید. فرهنگ "بیگانه" که سهل است، شما فرهنگ ملی ما را با خطر نابودی روبرو کرده اید. تمام سنن ملی ما را به "آتش پرستان" و... نسبت می دهید و با پاسدار و "ثارالله" و "جندالله" و... بر سر راه اجرای آن ها مانع می تراشید.

باید از خاشاکین به انقلاب در حاکمیت جمهوری اسلامی پرسید، آیا شما هزاران دگراندیش مذهبی و غیرمذهبی را دستگیر و شکنجه و اعدام کرده اید؟ در واقع امروز در میهن ما کسانی حق نفس کشیدن دارند که حاضر شوند معیارهای بسیار تنگ "حزب الهی" و "مکتبی" حاکمیت را به اجرا در آورند. تازه آن ها هم، هر آن در معرض انواع و اقسام اتهامات مبنی بر عدول از این معیارهای به اصطلاح الهی قرار دارند و هر لحظه باید در انتظار انواع "تمزیرات" باشند. مردم ایران و جهان هنوز سخنان لاجوردی، جلا د اوین را به خاطر دارند که در جمع خبرنگاران خارجی

روح پول پوتیسم در کالبد...

بقیه از صفحه ۱

مسلمانان کامبوجی در رژیم خون آشام پول پوت توسط نامه "یک دانشجوی مسلمان کامبوجی آواره در فرانسه" آشنا شده و از روی جزوه ای که توسط وزارت امور خارجه در این زمینه تهیه شده بود، تعلیمات لازم را کسب کرده است، کشف می کند "کمونیسم ناب" که پول پوت ادعای اجرای آن را داشت "همان بود که در تعلیمات مارکس و انگلس، اینها پیدا کرده بودند". گویا این موضوع باعث می شود بغض آقای رفسنجانی علیه مارکسیسم به ناگهان بترکد، اراجیفی را به جای تعلیمات مارکس و انگلس در زمینه خانواده و مالکیت خصوصی بپاغد و "پیروزمندان" آن ها را رد کند. انتساب بی شرمانه به اصطلاح "کمونیسم ناب" پول پوت به مارکس و انگلس آنچنان وصله ناچسبی است که نیاز به توضیح ندارد. ما اینجا قصد پاسخگویی به این "کشفیات" بی ارزش را نداریم، بلکه سخنان رفسنجانی را از جنبه دیگری مورد بررسی قرار می دهیم.

البته این ها تنها گوشه های کوچکی از جنایات رژیم پول پوتی است. ما از آقای رفسنجانی می پرسیم کدام یک از این جنایات را جمهوری اسلامی در اشکال دیگر و با نام های متفاوت دیگر، انجام نداده است؟ آیا مأموران اجرایی ایشان و هیالکی هایشان، هزاران نفر از متخصصین کشور را به جرم دگراندیشی پاکسازی نکردند و به جوخه اعدام سپردند و با آواره

مسلمانان کامبوجی در رژیم خون آشام پول پوت توسط نامه "یک دانشجوی مسلمان کامبوجی آواره در فرانسه" آشنا شده و از روی جزوه ای که توسط وزارت امور خارجه در این زمینه تهیه شده بود، تعلیمات لازم را کسب کرده است، کشف می کند "کمونیسم ناب" که پول پوت ادعای اجرای آن را داشت "همان بود که در تعلیمات مارکس و انگلس، اینها پیدا کرده بودند". گویا این موضوع باعث می شود بغض آقای رفسنجانی علیه مارکسیسم به ناگهان بترکد، اراجیفی را به جای تعلیمات مارکس و انگلس در زمینه خانواده و مالکیت خصوصی بپاغد و "پیروزمندان" آن ها را رد کند. انتساب بی شرمانه به اصطلاح "کمونیسم ناب" پول پوت به مارکس و انگلس آنچنان وصله ناچسبی است که نیاز به توضیح ندارد. ما اینجا قصد پاسخگویی به این "کشفیات" بی ارزش را نداریم، بلکه سخنان رفسنجانی را از جنبه دیگری مورد بررسی قرار می دهیم.

جمهوری اسلامی

دوقلوی کامبوج پول پوتی

پول پوت طی چهار سال حکومت خود جنایت بی شماری در حق خلق کامبوج مرتکب شد. کمونیست ها و پیروان

احسان طبری:

ناکجا آباد

● گفتاری درباره رزم نسل ها، به خاطر آینده ای بهتر و هدف های والاتر زندگی

در سده های پانزدهم و شانزدهم میلادی ، " نیکولودی برناردو ماکیاولی " ، مولف رساله معروف "پرنس یا شاهزاده " به این نتیجه رسید که جامعه انسانی را تقدیرهای ناشناختنی و اسرار آمیز اداره نمی کند ، و انسان قادر است با تدابیر خویش جامعه را به راه ببرد . البته ماکیاولی با این دیدگاه خود ، کوشید تا به پورژوازی نوخیز ایتالیا برای ایجاد حاکمیتی قوی یاری برساند و حکومت را بر اداره امور در مجرای که دلپسند اوست قادر شمرده . در همین سده ها در انگلستان " تامس مور " رساله ای موسوم به " سفری به اوتوبی " منتشر کرد . واژه " اوتوبی " را در پارسی با لفظ زیبای " ناکجا آباد " ترجمه کرده اند . نام شگفت انگیز کامل رساله " تامس مور " چنین است : " دفتر زین که هم سودمند است و هم دلپسند . درباره بهترین نظام دولتی در جزیره نیو یافته ای بنام ناکجا آباد " . در این دفتر در ۴۶۶ سال پیش از این تاریخ " تامس مور " نخستین طرح را از یک جامعه آرمانی رسم کرده بود . وی از مالکیت خصوصی انتقاد کرد . ضرورت اجتماعی شدن آن را یادآور شد . کارش ساعت را برای پیشه وران برابر حقوق ، توصیه نمود . رشد شخصیت انسانی را محصول ترکیبی از آموزش در دبستان و کار در دکان و مزرعه دانست . " تامس مور " خود از درباریان و مناصب داران معتبر دربار " هانری هشتم " پادشاه انگلستان بود . ولی سرانجام شاه انگلستان او را در ۵۷ سالگی به دژ حیم سپرد ؛ که پیرحمانه سرازتش جدا ساخت .

در سده های شانزدهم و هفدهم بار دیگر در ایتالیا و در انگلستان ، به سبب گسترش بیشتر نظام نوین سرمایه داری ، دو متفکر اجتماعی در دو جهت متضاد ظهور کردند . اینبار شخصی به اسم " تامس هاپز " به عرصه تاریخ پای نهاد ، که مولف کتابی است به نام " عناصر فلسفی آموزشی درباره شهروندان " . " هاپز " در این کتاب ، دولت مقتدر و سلطنت توانا را ستود و

پیدایش جامعه را ثمره یک نوع قرار داد اجتماعی بین انسان ها دانست . دولت در نظر " هاپز " می بایستی مانند " له ویاتان " یا تمساح یا جبار بحری سخت مهیب و نیرومند باشد . دارای قدرتی نامحدود ولی مشروط ، تا سرکشان تفرقه گرا را به سر جای خویش بنشاند .

این آن دولت مقتدری بود که پورژوازی نو خیز ، آنرا علیه فئودال ها لازم داشت تا از سر سرکشی آن ها ، بازگانی خود را حفظ کند . و همان است که انگلستان آنرا بنام مشروطه در ایران پیاده کرده است . ولی برعکس در ایتالیا " جوردانو پروتو " به میدان آمد . " جوردانو پروتو " سرنوشتی پس غبار داشت . زیرا به دنبال حقیقت و عدالت اجتماعی می گشت . و مانند " هاپز " که ستایشگر پادشاهی استبدادی مشروطه بود ، نود و یکسال نزیست ، بلکه ۴۶ سال ، آنهم در سیاهچال زندگی کرد و پس از ۸ سال زندانی بودن در کمی بیش از پنجاه سالگی زنده زنده سوزانده شد . گناه این پاک سره آن بود که خواستار استقرار جامعه عادلانه ای شد . جامعه ای که مورد پسند شاه ، پاپ و " اصل زادگان " فئودال نبود .

در حالی که در سده های هفدهم و هجدهم ، ایتالیا کماکان مرکز تفکر اجتماعی باقی ماند و " جان باتیستا ویکو " از رشد تمدن ها طی دوران های متوالی ، اساطیری ، حماسی ، انسانی و تکرار شدن این ادوار تاریخی سخن می گفت ، کشور فرانسه که دیگر آن موقع وارد صحنه رشد سرمایه داری شده بود ، اندیشه و اجتماعی خود را در دوران " لویی چهاردهم " در وجود " ژان ملییه " عرضه داشت . اما جامعه شناسی " ویکو " ، یک جامعه شناسی عالمانه و بی طرف بود ولی جامعه شناسی " ژان ملییه " به سنت " توماس مور " و " جوردانو پروتو " پسوی انتقاد اجتماعی رفت و از ستم اجتماعی ، به روش دربار و کلیسای عصر خود انتقاد کرد ، و خویش مردم را برای رهایی خود ستود ؛ آنرا کار

خلاق خود مردم دانست ؛ آنرا مبداء و اهرم انتقال به جامعه نو شمرده . وی در رساله ای بنام " وصیتنامه " که مدت ها دست نویس آن در فرانسه رواج و محبوبیت داشت ، خواستار نظامی گردید که از فقر و ستمگری و کار فرساینده فارغ باشد . این رساله تنها در سال ۱۸۶۴ یعنی قریب ۱۵۰ سال پس از مرگ " ژان ملییه " برای اولین بار به چاپ رسید . در سده هجدهم ، تنها در فرانسه است که در آن امواج گرما بخش جامعه - شناسی انتقادی در غلیان است . هلند و انگلستان و ایالات متحده آمریکا ،

دیگر انقلاب های پورژوایی خود را انجام داده بودند و بسوی نظام سرمایه داری تثبیت شده ای رفته بودند . ولی فرانسه اینک در نوبت ایستاده بود . سلطنت مطلقه بورژوازی ها ، سیاست پاپ ها و کار دینال ها ، مبارزه شدید فرق مذهبی " هودنت " ، " ژان سه نیست " ، " کاتولیک " و غیره ، تجاوزات اشرافیت فئودال زمین داران فرانسویان را که مدت ها بود تحت تاثیر اندیشه های لیبرالی و سوسیالیسم پنداری قرار داشتند ، سخت به هیجان آورد . در این کشور از زمره نمایندگان سوسیالیسم تخیلی می توان از افراد زیرین نام برد :-

گابریل مابلی ، نویسنده رساله اصول قوانین ، - هانری کلب دوسن سیمون ، نویسنده " نامه یک ساکن شهر ژنوبه معاصران خود " و آورنده کیش مسیحیت نو - موری ، نویسنده رساله " کدکس طبیعت " - گراکوس بابف ، تئوریسین انقلابی جمهوری برابران که وی این جمهوری را اوج تمدن انسانی می شمرده و در سن ۲۷ سالگی به زیر کیوتین رفت ؛ - فرانسوا ماری شل کوریه ، نویسنده رساله " تئوری چهار حرکت سرنوشت های عمومی " ؛ و سرانجام ، آنتی بن کاپه ، نویسنده معروف رساله " سفری به ایکاری " که خواستار برابری در مصرف و آشتی اغنیا و فقرا بود . همه این ها با تفاوت هایی علاوه بر نقد جامعه ، جویای دگرگونی نظام آن بودند . علاوه بر این ها از افرادی مانند ، " دیدرو " ، " ولتر " ، " ژان

ژاک روسو " ، " مونتسکیو " ، و " کندرسه " که اندیشه های معتدل تر و لیبرال مآبانه تری داشتند ، ولی جامعه سنتی پادشاهی - فئودالی فرانسه را مورد انتقادهای جدی خود قرار داده بودند ، می توان یاد کرد . " دیدرو " و دیگر " اصحاب دایره المعارف " در تبلور فکری تمام اروپا تاثیر عمیقی داشتند و بدین سان ، زمره ویژه ای از متفکران را به وجود آوردند . " ولتر " که در عصر لویی پانزدهم و دوران اوج تمدن مادی اشراف فرانسه می زیست ، مانند " اپیکور " یونانی و " خیام " ایرانی ، لذا بذر رفاه مادی را می ستاید و شعر معروف او " لو مون دن " ، یعنی " دنیا پرست " از این جهت نمونه و آراست . این واکنشی بود در برابر آن محیط عبوس زاهدانه ای که " مارکیز دو مارتنو " همسر لویی چهاردهم در اواخر سلطنت این شخص پدید آورده بود . ولی در همان ایام ژان ژاک روسو ، مردم را به زندگی ساده و قانعانه طبیعی فراخواند و پارسایی را توصیه نمود . پیداست که حل مسئله هدف زندگی انسان در این دأوری های یکجانبه نبود و کسی را راضی نداشت .

فرانسه ، میهن سوسیالیسم پنداری به انتقاد اجتماعی قرار گرفت . و کسانی مانند " سن سیمون " و " فوریه " و " باپف " در این زمینه گام های مهمی در تبیین و توضیح مسئله بسوی پیش برداشتند . در همین رابطه سوسیالیسم پنداری ، میتوان از " رابرت اوئن " سرمایه دار انگلیسی نام برد . این شخص با صداقت حیرت انگیزی ، خود را وقف ایجاد جهان نوین اخلاقی و آنچه که خود او آنرا " قدراسیرین آزاد همبود خودگردان " می نامید ، ساخت . ولی متاسفانه موفقیتی در اجرای نقشه های خویش نداشت . قرن نوزدهم و بیستم ، از جهت جامعه شناسی انتقادی ، چندتن نماینده آثار شایسته داده است ، مانند : " پرودون " فرانسوی ، " اشتیرنر " - آلمانی ، و " باکونین " روسی . و سه تن نماینده بقیه در صفحه ۹

ناکجا آباد

بقیه از صفحه ۸

سوسیالیسم علمی عرضه داشته است. یعنی: "کارل مارکس" - آلمانی، فریدریش انگلس - آلمانی، ولادیمیر ایلیچ لنین - روسی، آلمان و روسیه که اینبار در نوبت انقلاب شد - فلودالی خود ایستاده بودند علاوه بر این، اسامی متفکران دیگری نیز دارند، مانند: "پل"، "مرینگ"، "لیکنشت"، "کائوتسکی" در آلمان، "گرتسن"، "چرنیشفسکی"، "پلخانف" در روسیه، و عده ای دیگر که برخی از آنان نیز مارکسیست بودند، ولی واکنشی بورژوازی نیز برای ستایش از مختصات جامعه طبقاتی در همین سده نوزدهم، بویژه در کشورهایی که در آنجا سرمایه داری به رونق رسیده بود، دامن می یابد. "آگوست کنت"، "استوارت میل"، "هربرت اسپنسر"، "یره میا پنتام"، "فریدریش نیچه"، "آسوالد اشپنگلر"، "ماکس وبر"، "آرنولد توئین بی"، "ویلیام جیمز"، "مری لویی"، و بسیاری دیگر در فرانسه و انگلستان، آمریکا و آلمان، جامعه طبقاتی و تمام مشخصات این جامعه را عملاً یک پدیده طبیعی و جاویدان شمردند. و تاریخ را تقدیر اسرارآمیز، عرصه ابتکار خلاق مردان بزرگ، ابرمردان، عرصه تنازع بی رحم نیروها، بین خلق ها و نژادها اعلام کردند، و آرمان پرستی سوسیالیستی را به مسخره گرفتند و آنرا کار ساده - لوحان دانستند، به نظر این آقایان و همانندان معاصر آنها تاریخ دیگر به ذروه رشد خود رسیده است و جهان میلیاردهای نژادگرا و جنگ طلب، این سرداران مرگ، این غارتگران خلق ها بهترین جهان ممکن است. این آقایان خود را مسیحی نیز می شمردند و می شمردند. الحق که چه تهنیتی است بر عیسی مسیح که چنانکه می گویند، "بخاطر سعادت تیره روزان به بالای صلیب رفت". این فهرست خشک و فشرده نام بردن هانتها برای آنست که پیدایش جامعه شناسی انتقادی از چپ و جامعه شناسی مدیحه آمیز از راست، جامعه شناسی خلقی از سویی و جامعه شناسی بورژوازی اشرافی از سوی دیگر را، از مهدا سده پانزدهم تا امروز بطور اختصار نشان بدهیم و روشن سازیم که انگیزه بروز آن گذار جوامع اروپای غربی از نظام

چرخ ستمگری خورد کرده. هرکس آثرا ساده پندارد، از خود ساده لوحی نشان داده است. در اینجا مسئله سرنوشت انسان و انسانی شدن این سرنوشت مطرح است. انسان در مقابل بلایای طبیعی، مانند: بیماری، پیری، مرگ، زمین لرزه، طغیان، یخبندان، خشکسالی، بهمن، طوفان، گردباد، آتش سوزی، جانوران درنده و زهر آکین و غیره قرار دارد و به این بلایای طبیعی، بلایای اجتماعی مانند: زور و ستم، نابرابری و تبعیض، فقر مادی و معنوی، جهل، اسارت و بردگی، روابط خصمانه و کرکانه و رقابت آمیز مابین انسان ها، کار شاق و فرساینده، ترس و دلهره، ناامنی، جنگ، بیکاری، یکنواختی و کسالت زندگی، آلودگی محیط زیست، دریدری و بی خانمانی، تحقیر شخصیت، نامعلومی فردا و غیره نیز اضافه می شود. آیا می توان در این تقاطع امری بلایای طبیعی و اجتماعی خوشبخت زیست؟ آیا می توان در این دره سرشک و خون دربار و بهروزی و زهای انسانیت نیاندیشید و در راه آن نکوشید و نرزمید؟ چرا جامعه بشری، حتی در سده های اخیر که به حد معینی از دانایی و آگاهی و

فلودالیسم به نظام سرمایه داری بود. همه این اندیشه ها در آستانه انقلاب مشروطیت و پس از آن در میهن ما ایران نیز رخنه و تاثیر یافت. البته نه به آن کمال منطقی که بود، بلکه به شکل جسته گریخته و گاه بشکل بسیار عامیانه. قریب شش قرن لازم بود، یعنی از سده چهاردهم تا سده بیستم تا مسئله تحول انقلابی جامعه از نظام نابرابری اقتصادی و اجتماعی به جامعه ای که به اصطلاح "باف" جمهوری برابره است حل شود. و یا لااقل بطور مقدماتی در راه آن کام - های عملی برداشته گردد. این نشانه پیچیدگی فوق العاده نسج اجتماع، دشواری تحلیل کلاف سردرگم آن در سطوح مختلف و دشواری و خطر آمیز بودن تغییر نظام اجتماعی است. شناخت جامعه، ویران کردن نظام کهن، نوسازی نظام نرین، در راستای سعادت انسانی، امری است بی نهایت بفرنج که در هر قدم آن باید صدها معضل حل شود، کره های کور کشوده گردد، صفوف مبارزان در زیر

ای بی خبران، مارا آئینی است!

ای بی خبران مارا آئینی است
آئینی در خدمت انسان و بهروزی
تابناک مانند خورشید، گرمابخش مانند آتش
با استغناء درویشان و اینار عاشقان
با شور پیامبران و قهرمانان

حقیقت را رها از شائبه سالوس می پرستیم
هدالت را در دستهای پینه بسته می پرستیم
زیبائی را در راستای زندگی می پرستیم
عشق را در پیوند جانها می پرستیم
رزم را با دیوان آدمیخواه
و فارا در رزم دشوار می پرستیم

همه جانبازان راه حق در نزد ما مقدسند
و همه یاران ستم و دروغ در نزد ما ملعون!

و این ایمان را چشمداشتی نیست،
نه به سکه زر و نه به غرله رضوان
نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی
و این ایمانی است چون پنقشه های محبوب
که بخاطر خرسندی خلق
در پای تندیس تکامل نهاده می شود.

ا.ط.

ثروت و جمعیت و قدرت دست یافته، قادر نیست این سلسله بلایای طبیعی و اجتماعی را چاره کند؟ می گویند اگر بشریت معاصر که بیش از چهار میلیارد است، متحد می شد و مساعی خود را صرف صلح و مازندگی می کرد، با همین سطح امروزی علم و فن می توانست سه برابر مرفه تر از سطح متوسط رفاه امروزی رشد یافته ترین ملت ها زندگی کند. و ایملی و آزادی خود را نیز بدست آورد. ولی دریغ که انسان از جهت اقتصادی، از جهت زمره ای، از جهت نژادی، از جهت ملی، از جهت جنسی، از جهت عقیدتی دچار تفرقه و ستیزه درونی است. زیرا آن جامعه های انسانی که میتنی بر بهره کشی انسان از انسان هستند، جنگ همه علیه همه و بقول فرانسوی ها مانند: سید خرچنگ هاست که همه یکدیگر را گاز گرفته اند. جامعه غرقه در نفاق و خصومت، نه تنها قادر نیست بلایای طبیعی را علیه خود چاره کند، بلکه بر بلایای اجتماعی خود نیز می افزاید و قادر نیست آنرا درمان نماید. این شکاف ژرف در جامعه انسانی بطور عمده، محصول جدا شدن مولدان مستقیم محصولات مادی و معنوی از محصولات خود و تمرکز ثروت اجتماعی در دست قدرتمندان انکلی جامعه است. بگفته "سن سیون" جامعه سرمایه داری به اقلیتی سخت ممتاز و بیکاره و اکثریتی سخت محروم و زحمتکش تقسیم شده است. تمرکز ثروت و قدرت در قطب انکلی امتیاز، و تمرکز فقر و درماندگی در قطب کار و زحمت، یک پدیده غیر طبیعی است که تمدن بشر در سیر تکاملی خود به دلایلی که روشن است پدید آورده. ولی صاحبان امتیاز این امر غیر طبیعی را در نظر اکثریت محروم جامعه، طبیعی، مقدور و اراده ازلی نشان می دهند. همه پیشروان جامعه شناسی انتقادی متوجه این مسئله بودند و می دانستند که باید کسار و استعساداد مَلَک تزییح ثروت قرار گیرد. قدرت از زمره ممتاز به همه اجتماع مولد منتقل گردد. اگر افراد جامعه از جهت مادی مرفه، از جهت سطح معرفت در مقام ضرور و ممکن، از جهت حقوق انسانی و اجتماعی در حد برابری باشند، از آزادی، روابط تعاون و همیاری، امنیت و تاحمین فردا، صلح پایدار و جواوید برخوردار گردند و کار آنها آفرینش نشاط آور و

بقیه در صفحه ۱۲

گرانی و فقر، ارمغان

بقیه از صفحه ۱

شده اند.

در هفته های اخیر کمبود و گرانی بی سابقه برخی از کالاهای کشاورزی - از جمله سیب زمینی و هندوانه - به مسئله مهم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. قیمت سیب زمینی به کیلویی ۶۰ تومان و سیب زمینی به کیلویی ۲۵ تومان رسیده است. این ارقام در مقیاس های معمولی زندگی زحمتکشان در ایران به راستی مثال زدن است. موجی از انتقاد و اعتراض و طنز و تمسخر مردمی با این پدیده همراه شده است. و آن را به مسئله ای با اهمیت سیاسی تبدیل کرده است. نخست وزیر شاکلی از آنست که:

"چگونه است که مسئله کمبود هندوانه و سیب زمینی تبدیل به مسایل سیاسی شده و منزلتی در ردیف جنگ به خود می گیرند؟"

او از دانشجویان می خواهد که "در این زمینه ها که حقیقتا حرکت ها و توطئه های سیاسی مودیانه در جامعه است، حساسیت داشته باشند" (اطلاعات - ۲۳ خرداد ۶۲).

واقعیت آنست که کمبود و گرانی این کالاها از آنجا اهمیت سیاسی پیدا کرده است که مثال ملموسی از بحران اجتماعی - اقتصادی و از جمله ورشکست اقتصاد کشاورزی در جمهوری اسلامی و سفاقت حاکمیت در مقابله با این مشکلات است.

روی گردانی حاکمیت جمهوری اسلامی از انجام اصلاحات ارضی بنیادی و بازگشت فئودال ها به روستاها، روستاییان کم زمین و بی زمین را که به امید برخورداری از دستاورهای انقلاب در روستاها باقی مانده بودند، به امید کسب لقبه ای نان به مهاجرت از زاد و بومشان واداشته است. مهاجرت روستاییان به شهرها اینک به ابعاد عظیم و بی سابقه یک میلیون نفر در سال رسیده است. در نتیجه مهاجرت توده های دهقانان طی سال های اخیر، صدها و هزارها روستا ویران و ساکنانش به زاغه نشینان حاشیه شهرها پیوسته اند. یکی از

نمایندگان مجلس اعتراف می کند: "ما هر روزه روستا را با دست خودمان منهدم می کنیم و از بین می بریم و باید فکری کرد که اگر این وضع ادامه داشته باشد، بعد از چهار سال... تهران ۱۵ میلیون جمعیت خواهد داشت" (اطلاعات - ۴ تیر ۶۲).

به این ترتیب کاهش تولید و کمبود محصولات کشاورزی، در درجه نخست حاصل روی گردانی حاکمیت از اجرای برنامه ارضی انقلاب و ادامه سیاست های شاهنشاهی در کشاورزی است.

در برابر این وضع، سردمداران جمهوری اسلامی، از یکسو دست به نفرین و تهدید و جهاد برای سرکوب و بازگرداندن روستاییان به روستاها می زنند و از سوی دیگر اقدام به واردات کالاهای کشاورزی از کشورهای امپریالیستی و وابسته می کنند. جمهوری اسلامی در سال ۶۲ ۲/۵ میلیون تن گندم، ۲ میلیون تن علفوفه، ۶۰۰ هزار تن پرنج و ۴۰۰ هزار تن گوشت از خارج وارد کرده است. ۴/۸ میلیارد دلار - بیش از ۲۰٪ بهای کل واردات در سال ۶۲ - صرف واردات مواد غذایی شده است که به مراتب از رقم مشابه سال های قبل از انقلاب بیشتر است.

دولت جمهوری اسلامی که با بازگذاشتن دست سرمایه داران و به ویژه بازاریان بزرگ غارتگر در اندوختن ابر بودهای کلان از محل انحصار و احتکار و گران فروشی و چاپ اسکناس از محل استقراض بی رویه از بانک مرکزی، خود سیاست تشدید تورم به سود غارتگران را برگزیده است. طی سال های گذشته به بهانه مهارتورم از افزایش دستمزد کارگران، حقوق کارمندان و افزایش بهای محصولات اساسی کشاورزی - از جمله گندم که عمده ترین دسترنج دهقانان زحمتکش است، خودداری ورزیده است. در نتیجه این سیاست در حالی که در سال ۶۱، ۲۸۰ میلیارد تومان و در سال ۶۲، ۶۴۰ میلیارد تومان بر نقدینگی بخش خصوصی افزوده شده است،

زحمتکشان میهن ما هر سال بیش از پیش با فقر دم افزون دست به گریبان برده اند.

مانند همه کشورهایی که راه سرمایه داری را می روند، در میهن ما نیز تورم به منبع دائمی انباشت سرمایه برای سرمایه داران بزرگ و غارت تشدید یافته زحمتکشان تبدیل شده است.

پایین نگه داشتن مصنوعی قیمت گندم، موجب شده است دهقانان حتی المقدور از کشت گندم خودداری کنند و به کشت تره بار و صیفی که قیمت آن در نتیجه تورم افزایش یافته است روی بیاورند. حکام ناقص العقل جمهوری اسلامی، راه حل این مشکل را نیز در تشدید فشار و سرکوب اقتصادی یافته اند. مسئولین برای آنکه دهقانان را مجبور کنند که "در سال های بعد گندم و جو کشت کنند"، جلوی صدور "گوجه و هندوانه" از روستاها به شهرهای بزرگ را گرفته اند. در نتیجه این وضع "دسترنج کشاورزان که در گرمای طاقت فرسای خوزستان یا هزاران رنج و امید به دست آورده بودند، جلوی چشمانشان گنبدید و ناپدید شد... اکنون ساکنین روستاها به اصطلاح زرخیز خوزستان در اثر سیاست به اصطلاح خودکفایی در آتش فقر می سوزند" (نماینده ماه مهر - اطلاعات ۴ تیر ۶۲).

"در حدود ۲۰۰ کامیون هندوانه مردم پوسید و از بین رفت و در روزنامه نوشتند که ۷ کامیون قاچاق هندوانه را در کجا گرفته اند! قاچاق هروئین و تریاک و چیزهای دیگر را شنیده بودیم، اما قاچاق هندوانه!..." (نماینده قم - همانجا).

در حالی که قانونمندی های اجتماعی - اقتصادی، حکام جمهوری اسلامی را کمتر از یک سال و نیم پس از روی برگرداندن قطعی از خلق به اتخاذ تدابیری چنین جنون آمیز واداشته است، همه شواهد حاکی از تشدید بحران در ماه های آینده است. سران جمهوری اسلامی با ادامه سیاست تازاندن سرمایه داری و نوسازی وابستگی به امپریالیسم، حفظ نظام زمین داری بزرگ و ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق، راه تعیین بحران را برگزیده اند.

ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق، تأثیر قابل توجهی در تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی داشته است. صرف نظر از خسارات اقتصادی جنگ که به رقم نجومی سیصد میلیارد دلار رسیده است، بنا به ارقام رسمی، سالیانه بیش از یک سوم بودجه کشور به مصرف "گرم نگه داشتن تنور جنگ" می رسد. به حساب ساده، هر خانوار ۴ نفره ایرانی، ماهیانه بیش از هزار تومان - بیش از نیمی از دستمزد ماهانه یک کارگر - برای تأمین هزینه جنگ می پردازد. مصرف غیرتولیدی این بودجه هنگفت خود منبع دائمی تشدید تورم است.

مرحله کنونی جنگ ایران و عراق که طی آن با گسترش جنگ به خلیج فارس، صادرات نفت ایران به کمتر از نصف تقلیل یافته است، بدون شک سرآغاز دوره جدیدی از تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی خواهد بود.

در نتیجه سیاست های وابستگی آفرین حاکمیت جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران اینک بیش از گذشته متکی به صادرات نفت است. در سال ۶۱ "بیش از ۷۰ میلیارد دلار ارز، صرف واردات مواد اولیه و وسایل یدکی برای اداره صنایع وابسته جمهوری اسلامی شده است. به بیان دیگر جمهوری اسلامی در آزه اشتغال هر کارگر در بخش صنعتی، سالیانه حدود ۱۰ هزار دلار ارز صادراتی کند" (گزارش به هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - "راه توده" شماره ۸).

در این شرایط کاهش شدید صادرات نفت به معنای رکود اقتصادی بیشتر، بی کاری فراگیرتر، کمبود و گرانی بیشتر کالاهای مصرفی و از جمله کالاهای کشاورزی و مایحتاج روزمره مردم و رونق بیش از پیش کسب و کار چنایتکارانه محتکران و گران فروشان است.

احیای نظام بزرگ زمین داری و کلان سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و جنگ طلبی خانمان سوز سران جمهوری اسلامی مصائب دردناک بازم بیشتری را برای مردم ما به ارمغان خواهد آورد و خائنین به انقلاب و آرمان های مردم را بیش از پیش رسوا خواهد کرد.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

محافل مترقی جهان، خواهان پایان

بقیه از صفحه ۲

آزادی بشر، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و مسئول بخش جامعه شناسی دانشگاه پیروانس، سخنران بعدی، ضمن برشمردن مراتب نقض حقوق بشر در میهن ما و اخبار وحشتناکی که پیرامون اعمال شکنجه‌های وحشیانه در حق زنان و مردان مبارز از ایران می‌رسد، مراتب نگرانی و انزجار کلیه آزادی‌خواهان فرانسه و جهان را نسبت به این اعمال ابراز کرد و از نیروهای مترقی خواست تا فعالیت خود را جهت نجات جان زندانیان از چنگال دژخیمان سفاک جمهوری اسلامی، تشدید نمایند.

نماینده حزب توده ایران در پایان، به سئوالات حاضرین پاسخ گفت و تحلیلی از رویدادهای ایران به جلسه ارائه داد و پس از قرائت پیام سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) توسط نماینده سازمان و اجرای برنامه‌های هنری، جلسه با فریاد پرشور "زنده باد حزب توده ایران" و "پایدار باد همبستگی بین‌المللی با زندانیان توده‌ای" به پایان رسید. همه سازمان‌ها و احزاب گوناگون (فرانسوی و خارجی)، پیام‌هایی در همبستگی با حزب توده ایران ارسال داشتند. در ذمیر توجه شما را به اسامی آنان جلب می‌کنیم:

- حزب کمونیست لبنان ● جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین ● حزب کمونیست مراکش ● سازمان جوانان دمکرات مراکش ● انجمن دوستی فرانسه - فلسطین ● جنبش ضد نژادپرستی ● کنفدراسیون عمومی کارگران ● اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه ● اتحادیه دانشجویان الجزایر.

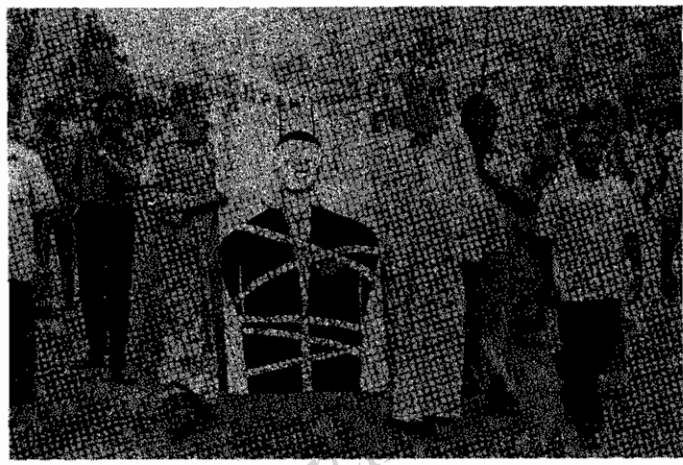
شرح این جلسه در روزنامه‌های مترقی ماری به چاپ رسید.

هندوستان

روز هفتم ژوئن (۱۷ خرداد ماه) به دعوت هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در هندوستان، تظاهرات با شکوهی در شهر مدرس، به منظور اعتراض به فشار و اختناق و پیگیری شکنجه و قتل نیروهای مترقی ایران برپا شد.

در این تظاهرات اعضای

کارگری هند در مدرس، راجاموهان، دبیرکل کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری و دبیر اتحادیه کارکنان بنادر، ک. مانیکام، عضو هیأت اجرایی حزب کمونیست هند در ایالت تامیل‌نادر، پادمانادام، عضو هیأت اجرایی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در این ایالت، واردانا جان، معاون دبیر اول کنگره سراسری کارگران هندوستان، پونادیان، دبیرکل انجمن شعری تامیل، راوینداراس، دبیر انجمن هنر و ادبیات تامیل‌نادر و نیز جایاکانتان، نویسنده مشهور تامیل و رییس فدراسیون ملی نویسندگان



تظاهرات با شکوه مردم مترقی در شهر مدرس

"مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا"، از جی‌پان‌های مرکزی شهر عبور کردند و در پایان در سالن سخنرانی اتحادیه کارکنان بانک گردآمدند. در آنجا جلسه‌ای جهت افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال آزادی‌خواهان و توضیح رویدادهای اخیر ایران و وضع بحرانی منطقه برگزار شد. شخصیت‌های برجسته سیاسی هندوستان از جمله: گانشان، رییس کنگره سراسری اتحادیه‌های

مترقی پیرامون این مسائل سخنانی ایراد کردند و چلگی، تزییقات وارده بر نیروهای مترقی، به ویژه حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم کردند. نمایندگان سازمان‌های زیرین، ضمن قرائت پیام همبستگی با زنان و مردان مبارز زندانی در میهن ما، خواستار پایان دادن به اعمال جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال نیروهای مترقی گردیدند: ● انجمن زنان دمکرات هند

- فدراسیون ملی زنان هندوستان
- فدراسیون جوانان دمکرات هند
- دانشجویان
- فدراسیون سراسری
- فدراسیون دانشجویان سراسری
- جوانان هندوستان ● سازمان جوانان
- افغانستان ● اتحادیه جوانان دمکرات بحرین ● اتحادیه عمومی دانشجویان سریلانکا ● دانشجویان دمکرات سودان ● هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین.

درختانه، قطعنامه‌ای به اتفاق آراء در زمینه تضمین آزادی برای زندانیان سیاسی، پایان دادن به شکنجه‌های بربرمنشانه و قتل آنان و نیز قطع جنگ ایران و عراق به تصویب جلسه رسید. مراسم با شعارهای "زنده باد همبستگی جهانی با حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران" و "برقرار باد دوستی خلق‌های ایران و هند" در حالی که سرود انترناسیونال در سالن طنین افکنده بود، به پایان رسید. شرح تظاهرات و میتینگ فوق همراه با عکس، در روزنامه‌های هندوستان به تفصیل به چاپ رسید.

● روزنامه پرتیراژ "انجبار روز"، چاپ مدرس، طی درج مقاله‌ای در رابطه با سیاست توسعه‌طلبانه و جنگ‌افروزان رژیم و فشار و اختناق حاکم بر میهن ما، جنایات ضدبشری حاکمیت جمهوری اسلامی را علیه مبارزان انقلابی ایران، به ویژه اعضای حزب توده ایران افشا کرده است. در این میان، به ویژه کوشش مغبوحانه رژیم در دگرگون چلوه دادن اندیشه‌های فیلسوف و شاعر عالیقدر، احسان طبری را مردود دانسته و قید کرده که مردم ایران و جهان، آنان که با زندگی و تفکر این انسان برجسته آشنایی دارند، نه تنها به ماهیت این خیمه شب‌بازی‌های تلویزیونی که در اثر شکنجه‌های وحشیانه و تحت تأثیر داروهای گوناگون انجام می‌گیرد، آگاهی دارند، بلکه تنفر آنان نسبت به دستگاهی که با انسان‌های والایی چون احسان طبری، چنین رفتار بی‌شرمانه‌ای در پیش می‌گیرد، بیش از پیش برانگیخته می‌شود.

در مقاله سپس، گزارشات از گسترش موج همبستگی با اعضای حزب توده ایران و سایر زندانیان سیاسی درج گردیده و آزادی آنان خواسته شده است.

در هفته ای که گذشت:

"عفو" زندانیان وسیله ای برای توسعه "پایگاه اجتماعی" ارتجاع حاکم

به دنبال صدور بخشنامه ده ماده ای شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی مبنی بر "عفو زندانیان"، روزنامه های رژیم در هر شماره خود اخباری در مورد به اصطلاح عفو زندانیان درج می کنند. بررسی این اخبار هیاهوی پوچ رژیم را در زمینه شمول این عفو به زندانیان سیاسی افشاء می کند و صحت این حکم را روشن تر می سازد که حرکت اخیر رژیم، مانور فریبکارانه ای پیش نبوده است. مانوری که جهت تعدیل فشار افکار عمومی کشور و نیروهای ترقی خواه جهان طرح ریزی شده است. ما به عنوان مشت نمونه خروار، برخی از این اخبار را ذکر می کنیم:

● "به مناسبت یوم الله ۱۵ خرداد ۲۰۰ تن از زندانیان دادسرای انقلاب اسلامی کتید که در رابطه با اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر محکوم شده بودند، مشمول عفو امام امت قرار گرفتند" (کیهان-۲۲ خرداد).

● "به مناسبت بیست و دومین سالگرد یوم الله ۱۵ خرداد، آغاز نهضت اسلامی ایران، ۲۰ نفر از زندانیان مختلف دادگاه انقلاب اسلامی بندر انزلی که به جراثمی از قبیل حمل و نگهداری و فروش مواد مخدر، اعتیاد و قاچاق خاویار، گران فروشی به مجازات های ۲ ماه الی ۱۰ سال محکوم شده بودند، مشمول عفو پیشنهادی مقامات دیوان عالی کشور و موافقت حضرت امام امت قرار گرفتند" (کیهان-۲۰ خرداد).

● "به مناسبت یوم الله ۱۵ خرداد ۶۴ تن از زندانیان (پروچرد) در رابطه با مواد مخدر مشمول عفو شدند" (کیهان-۲۸ خرداد).

سرکوب نظامیان مخالف جنگ ادامه دارد

مخالفت با ادامه جنگ بیهوده و توسعه طلبانه ایران و عراق، در میان ارتشیان میهن دوست کشور ما، هر روز گسترش بیشتری می یابد. این امر سران رژیم را به وحشت انداخته و آن ها را به عکس العمل های گوناگون واداشته است. شدت نگرانی حکام رژیم را از جمله در "سخنان" خامنه ای می توان دید.

خامنه ای در دیدار با مسئول بسیج سپاه پاسداران، خواستار "برخورد قاطع با میکروب های سیاسی در فضای معنوی جامعه ما" شد و در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان اولین دوره عالی سپاه پاسداران گفت:

"اگر چنانچه افرادی در جبهه های جنگ در هر لباسی بخواهند با سیاست بازی، ما، ذهن ها را

مغشوش نمایند و به هر کیفیتی به دنبال کارهای سیاسی بروند، به هیچ وجه قابل قبول نیست و باید جلوی آن گرفته شود".

همچنین هفته گذشته در ملاقات دادستان ارتش با سانی، دادستان کل کشور اعلام داشت:

"چهار شعبه دادسرا و یک شعبه دادگاه در منطقه اهواز به لحاظ ضرورت جنگی و تمرکز نیروها در آن منطقه "تشکیل شده است.

کسانی که از سوی خامنه ای "میکروب های سیاسی" و "سیاست باز" خوانده می شوند و در دادسراها و دادگاه های ارتشی که در مناطق جنگی تشکیل شده اند، باید محاکمه شوند، نظامیان میهن دوستی هستند که با سیاست ادامه جنگ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مخالفند و با تبلیغ نظریات خود پسر راه گسترش این سیاست، مانع ایجاد می کنند. اما رژیم با این ترغیب ها قادر نیست، از گسترش مبارزه برحق نظامیان میهن دوست و ترقی خواه مسامحت کند.

تدارک "انتخابات" بی دردسر!

مجلس شورای اسلامی، طرح قانونی اصلاح قانون انتخابات را در حضور شورای نگهبان مدافعان کلان سرمایه داران تصویب کرد. در ماده واحده این طرح آمده است:

"ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۹ اسفند ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به صورت زیر اصلاح می شود: انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب

کشید. این امر که حاصل اراده آراء منفی مردم محدودیت پایگاه اجتماعی حاکمیت جمهور اسلامی بود "حقیقت" روبروافتگان از خلق بازم بیشتر بر باد داد. به طوری که جوادی آملی در نماز جمعه تهران گفت:

"نگذاریم (انتخابات) از مرحله ای به مرحله دیگر برسد، زیرا این به حقیقت نظام جمهور اسلامی بسته است".

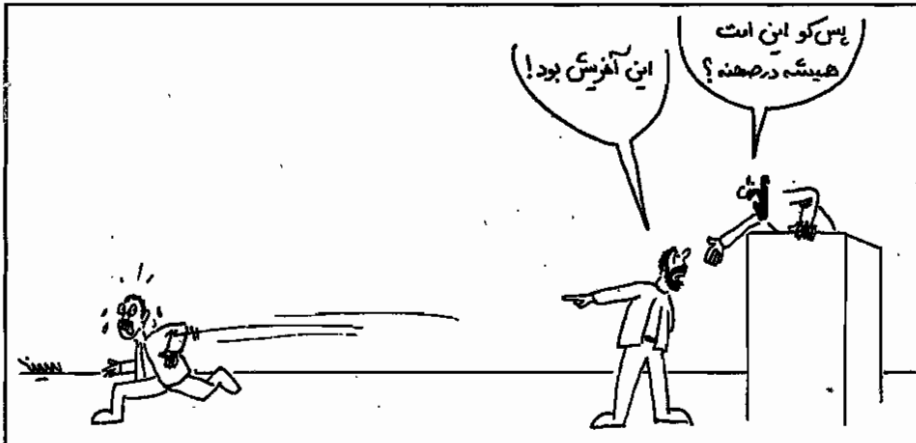
سردمداران رژیم قصد دارند در انتخابات حوزه های باقی مانده و انتخابات دوره های آیند مجلس این مسائل تکرار نشود.

تصویب ماده واحده مذکور و تبدیل قید "اکثریت مطلق" در مرحله اول به "اکثریت نسبی یک سوم" در راستای اجرای این تصمیم است اما بی آبرویی و انفراد رژیم در نظر توده ها پیش آن است که بتواند با تصویب چنین ماده واحده ای وسایل بازگرداندن آن را فراهم سازد.

"بنا بود خدمت گزار"

مستضعفین باشیم، اما...

مهدی طباطبائی، سرپرست بنیاد مستضعفان در مصاحبه ای با خبرنگار اطلاعات، ضمن اینکه با سرمایه داران و زمین داران مژده داد در آینده، روند رفع مصادره اموال ضدانقلاب و سرمایه داران گسترش یافته و اموال بنیاد هر چه پیشتر به بخش خصوصی واگذار خواهد شد، گفت: "همچنین مقادار قابل توجهی از اموال بنیاد به صورت قانونی در اختیار ارگان ها و ادارات دولتی است و هیچ وزارت خانه و سازمانی را نمی بینید که به نحوی اموال بنیاد در اختیارش نباشد... اگر مستضعفین منتظر نشسته اند که بنیاد چشمگیرتر از وضع فعلی برایشان کار کند، باید



پداندند که میلیاردها تومان از اموال بنیاد در اختیار ادارات و ارگان های دولتی است" (اطلاعات-۲۹ خرداد).

سرپرست بنیاد مستضعفین، با این سخنان آشکار می سازد، اموالی که بر اثر انقلاب و به نفع محرومین مصادره شده بود و قرار بود در خدمت محرومین جامعه باشد، به بخشی از منابع حیث و میل و سوء استفاده های کلان کارگزاران و مهره های اداری و نظامی رژیم تبدیل شده است. سخنان جنتی عضو شورای نگهبان در جمع مسئولان، مدیران و بقیه در صفحه ۱۲

اکثریت نسبی حداقل یک سوم کل آراء و در مرحله دوم با اکثریت نسبی است و هر جا در قانون انتخابات قید اکثریت مطلق در مرحله اول وجود دارد، به قید اکثریت نسبی یک سوم تبدیل می شود" (رادیو جمهوری اسلامی-۱۲ تیر ماه).

تصویب این قانون به دنبال شکست اقتضاح آمیز حاکمیت جمهوری اسلامی در انتخابات فرمایشی دوره دوم مجلس انجام می گیرد. در این انتخابات از ۲۷۰ نماینده، فقط ۱۱۶ نماینده حائز اکثریت مطلق گردیدند و در مرحله اول انتخاب شدند. گزینش ۱۵۲ نماینده باقی مانده، به مرحله دوم

نامه خوانندگان

● دوست عزیز "نادر" از تکراس شعری تحت عنوان "حزب ما هرگز نمی میرد" فرستاده است.

سراینده رو به خصم درنده خوبی که فرزندان راستین خلق های ایران را به بند کشیده است، فریاد برمی آورد: "حاملان نورو شادی/ در میان پنجه دژخیم هاتان/ باتن خونین خود، آوای خلقی را خروشاندند/ حزب ما هرگز نمی میرد".

● رفیق ناهید از وین: شعرهای شما رسید. با تشکر و سپاس باید از جان

داشت که توان شما برای به تصویر کشیدن موضوع و پرداخت مضمون، با نگرش و تلاشی شاعرانه همراه است، از این رو، شما را به تداوم پی گیرانه در این راه فرامی خوانیم. ولی لازم به تذکر است که گاه با حذف فعل، پیوند منطقی بین مصراع های شعرتان مخدوش می شود. مثلا در شعر "اعدام"، پس از دو سطر "چوبه دار بپا/ در کمین صف بعدی بی تاب"، آورده می شود "خون چکان پیکر مجروح افق/ ریه ها پاروتیست". که مصرع "خون چکان..." با حذف فعل به انجامی نمی رسد و پیوندی نیز با سطرهای بالا و پایین خود ندارد. از شعرهایتان استفاده خواهد شد. باز هم برای ما شعر بفرستید.

● دوست عزیز "آ. ب. شیدا": از اینکه تذکرات ما می تواند مفید واقع شود خوشحالیم و در این راه تا آنجا که می توانیم دریغ نخواهیم ورزید. شعرهای جدید شما که سرشار از عشق و امید به زندگی است به دست ما رسید. لازم به یادآوری است که ساختمان شعری در شعر سپید (بدون رعایت وزن و قافیه) باید به گونه ای هموار شود که به ست قطعه نویسی میل نکند. رعایت ایجاز می تواند در این راستا موثر واقع شود. برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

● دوست عزیز "م. ق.": شعر شما با عنوان "عطر باور" به دست ما رسید. احساس و ایمان شما نسبت به حزب و پیروزی آرمان های انسانی آن شایان تحسین است. ضمن سپاس، یادآوری

این نکته ضروری است که ولخرجی در کاربرد واژگان می تواند به شعر لطمه وارد سازد. هر واژه ای را به علت مفهوم عمیق و انسانی یا انقلابی آن نمی توان در هر صورت در شعر گنجاند. یک واژه هنگامی برای خود را در شعر به تماشا می گذارد که در جای مناسب خود بنشیند.

● دوست عزیز گودرز: نامه شما رسید. اگر امکان دارید مطالب و اخبار را به همان آدرس ارسال کنید. با آرزوی موفقیت و سلامتی برای شما.

● مقاله "جمهوری اسلامی و کارگران" به دستمان رسید. حتما مورد استفاده قرار خواهد گرفت. باز هم در این زمینه برایمان مطلب بفرستید.

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲ و سرپرستان این واحد در این زمینه بسیار پرمعناست: "امروز، ما وارث تمامی آن چیزهایی هستیم که تا چندی پیش حتی تصور داشتن آن ها را نداشتیم. امکاناتی که زمینه لغزش و گناه را فراهم می کند" (اطلاعات ۲-تیر).

بنابراین "مستضعفین" نه تنها باید انتظار بیشتری نداشته باشند، بلکه باید روز به روز سطح توقعات خود بکاهند. به ویژه که حاکمیت و اگذاری اموال بنیاد را به نوکیسه گان جدید و سرمایه داران قبلی تدارک می بینند و این بنیاد را کاملا در خدمت "مستکبرین" قرار داده است. سرپرست بنیاد در این زمینه می گوید: "به عنوان مثال، در سال ۵۸ مقدار قابل توجهی حکم مصادره در کنید و گرگان صادر شد. اما بعد

از گذشت ۵ سال، هنوز این احکام پلا تکلیف است. یعنی با اینکه حکم مصادره صادر شده است، اما قوه قضاییه اجازه دخل و تصرف به ما نمی دهد. حال اگر روی این مال زیان بدیم، فردا بدهکار (سرمایه دار) خواهیم بود و اگر هم سود بدیم باید به صاحب اصلی اش برگردد. ما بنا بود... خدمتگزار مستضعفین باشیم، اما الان متأسفانه در خدمت آن هایی هستیم که اموالشان مصادره شده" (اطلاعات ۲۹-خرداد).

ناکجا آباد

بقیه از صفحه ۹

متنوع در محیطی پاکیزه از آلودگی و زیستن آنها در راستای تکاپو و پیشرفت تاریخی باشد، این افراد باسانی قادرند بلایای طبیعی را نیز چاره کنند، جغرافیای جهان را دگرگون سازند، آنرا موافق نیازمندی های خود تغییر دهند و برای خود بهشت سعادت مندی در روی زمین بیافرینند. تجارب طولانی تاریخ ثابت کرده است که اینها تنها پندار باطل نیست، بلکه شدنی است. و چه بسیاری کارهای شگفت که شده است و تاریخ بشر خود مبشر آن است که چاره گری انسان، خرد او و کار او ثمر بخش است. رفاه، دانش، آزادی، رهایی، برابری، همیاری، تندرستی، جان درستی، امنیت، آسایش، صلح، کار خلاق، پیشرفت، احساس نشاط و سرشاری اینهاست درک اصیل خوشبخت بودن، که می تواند سرانجام به فاجعه لرزاننده سرنوشت انسانی خاتمه دهد. والا دیگر تصورات فئودالی و بورژوازی درباره خوشبختی سرابی بیش نیست.

توانند اشتباهاتی بکنند و حتما هم خواهند کرد، تلفات بدهند و حتما هم خواهند داد، شکست ها بخورند و حتما هم خواهند خورد، زیرا نبرد رنج پار و دلسوز آنها ناگزیر یاس ها و سرخوردگی ها و خیانت ها و گمراهی ها و تفرقه ها، خصومت ها را خواهد زایید. ولی سرانجام، سرانجام این پیکار سنج و عنودانه، ناگزیر گشوده شدن طلسم هاست. پندارها جای خود را به ادراک واقعیت خواهد داد، یاران واقعی در کوران نبرد با آرمان آبدیده می شوند. راه های نهانی، آشکارتر می گردد. سلاح سزای پیروزی بدست می آید. خصم متفرعن و شکست ناپذیر، مانند دیواری عظیم و شوم، نخست مو و رگه بر می دارد، آنگاه ترک می خورد. سپس ترک ها به شکاف فها بدل می گردد، شکاف ها به آوارهای کوچک، آوارهای کوچک به بهم های بزرگ بدل خواهند گردید و بالاخره انهدام نهایی در خواهد رسید و دیوار فرو خواهد رومیید.

را طی کرده و کماکان طی می کند و خواهد کرد. نسل ها بلعیده شده اند و بلعیده می شوند. امیدها با موی سپید یا با موی سیاه زیر خاک رفته اند و می روند، پندارها درم شکسته شده اند و می شکنند، ولی کاروان روان است و سرانجام به شهر آرزویی "ناکجا آباد" خواهد رسید.

این متن، از روی سواری که احسان طبری "دز پاره معنویت نبرد ایثارگرانه انسان در راه خوشبختی"، در اواسط سال ۶۰ بیان کردند، پیاده شده است. بخش آغازین این مطلب: "کشتگویی با کافکا" در شماره ۹۵ "راه توده" به چاپ رسیده است.

از زمان "تاس مور" و "ملیبه" تا دوران "مارکس" و "لنین" و تا این انقلاب بزرگ که در کشور ما تحقیق یافته، این کازوان خستگی ناپذیر طلب و جستجو راه خون آلود و خوفناک خود

در جمهوری اسلامی برای اخذ مالیات، جلب رضایت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران شرط است!

مسئله مالیات و "حرمت اخذ آن" از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان یکی از عمده ترین مسائلی است که اختلاف بین جناح های گوناگون حاکمیت را دامن می زند و مجادلات پر خاشاکرانه و تهدید آمیز میان آنان را سبب شده است. چندی پیش دامنه این اختلاف تا آنجا گسترش یافت که بالاترین مقام جمهوری اسلامی نیز در مقام نیشیبانی از دولت، به "مقدسینی" که پرداخت مالیات را بر بازار و بخش خصوصی "واجب" نمی شمردند، لزوم اخذ و پرداخت آن را به منظور کمک به دولت یاد آور شد. در کنار این یادآوری خاضعانه، اما مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی به دستاویزهای تثبیت شده در نظام شاهنشاهی متوسل شدند و تحت پوشش حمایت از تولید کشاورزی "قانون معافیت مالیات بردرآمد کشاورزان" را که از سوی دولت ارائه شده بود، به تصویب مجلس رساندند. موافق این "قانون" از ابتدای سال ۱۳۶۲ کشاورزان و دامدارانی که با توجه به سیاست دولت فعالیت می کنند به مدت ۱۰ سال از مالیات معاف خواهند بود. (کیهان - ۶۲/۲/۲۵)

واقعیت آنست که تصویب این قانون تنها به سود زمین داران بزرگ و صاحبان کشت و صنعت و استفاده کنندگان از وام های چند و چندصد میلیون تومانی گذشته و حال و دارندگان تولیداتی در حد روزی ۲۰-۲۵ تن شیر و چندین تن تخم مرغ و مرغ هستند که با توجه به سیاست دولت از مالیات معاف می شوند، نه دهقانی که حتی از دریافت چیره مرغ و تخم مرغ دولتی نیز معاف است!

شمول این "قانون" هر چند، به نوبه خود بخش اعظم بزرگ مالکان رادر برمی گیرد، اما به تمامی تأمین کننده منافع کلان سرمایه داران و به ویژه بازار و بخش خصوصی نیست. از این رو وزیر امور اقتصادی و دارایی چندی پیش پرداخت مالیات از جانب آنان را طلب کرد. وی، یکی از "اشکالات" وزارت دارایی را این گونه توضیح داد:

"اشکال دوم، اشکالی است که از سوی بعضی از مقدسین عنوان می شود و آن اینکه با وجود پرداخت وجوهات آیا جای دیگری برای پرداخت مالیات می ماند یا نه و چون این مسئله در لباس شرع و از طرف بعضی از مقدسین عنوان می شود کار برادران متعهد ما رادر این وزارت خانه یک مقدار مشکل می کند" (کیهان - ۲۶ اردیبهشت).

برخلاف گذشته که مسئله "اخذ مالیات" مورد تأیید قرار گرفته بود، اکنون به منظور "جلب حمایت" مالیات دهندگان به ویژه بازار و بخش خصوصی تأکید می شود: "... کشوری که سرتا تهش پرسنل مالیه هست... ممکن است که افرادی که بخواهند این کشور را برگردانند به حال سابق نفوذ کنند در بین شما و مردم را ناراضی کنند به این که مالیات را وقتی می خواهند بگیرند، بیشتر از آن مقداری که باید بگیرند، بگیرند. اما باید هوشیار باشید مردمی که مراجعه می کنند، باید هوشیار باشید که راضی پرشان گردانید..." (کیهان - ۲۶ اردیبهشت).

ناگفته پیداست "مردمی" که باید "راضی" برگردند، کارگر و کارمند و زحمتکش شهر و روستا نیستند که مالیات متعلقه به آنان از مزد و حقوقشان کسر می شود، بلکه بازاریان "محترم" و بخش خصوصی و یک کلام بزرگ سرمایه دارانی هستند که به اعتراف مسئولان امور تا امروز، به انحاء گوناگون از پرداخت مالیات شانه خالی کرده اند و بخش اعظم کسری بودجه دولت در سال پیش را سبب شده اند.

مالیات بردرآمد "مالیات دهندگان"

برای روشن شدن زمینه این کشمکش، به جاست با استفاده از آمار و ارقام منتشر شده دولتی، وضع مالیات بردرآمد این "مالیات دهندگان" را بررسی کنیم: در سال ۶۲، کل مالیات هایی که دولت دریافت کرده، مبلغ ۷۱۷/۸ میلیارد ریال بوده که از این مقدار

۲۸۸/۵ میلیارد ریال مالیات مستقیم (۵۴٪) و ۲۲۱/۴ میلیارد ریال مالیات غیرمستقیم (۴۶٪) بوده است. مالیات مستقیم، شامل مالیات بر شرکت ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت است. از مبلغ کل ۲۴۷ میلیارد ریال مالیات تصویب شده در مورد شرکت ها، مبلغ ۱۷۲ میلیارد مربوط به اشخاص حقوقی دولتی (شرکت های دولتی) و ۷۵ میلیارد ریال مربوط به اشخاص حقوقی و غیردولتی (شرکت های غیردولتی) بوده است. به این ترتیب بخش اعظم مالیات دریافت شده از شرکت های دولتی بوده است. به عبارت دیگر دولت تنها توانسته است مبلغ ۷۵ میلیارد ریال به عنوان مالیات از شرکت های غیردولتی دریافت کند. مالیات بردرآمد، شامل مالیات بر حقوق، مالیات بر مشاغل، مالیات بر مستغلات و مالیات های متفرقه می شود. از کل ۱۰۷/۵ (میلیارد ریال) مالیات بردرآمد که در سال ۶۲ به تصویب رسیده، مبلغ ۶۶ میلیارد ریال مالیات بر حقوق، ۲۲ میلیارد ریال مالیات بر مشاغل، ۱۰/۱ میلیارد ریال مالیات بر مستغلات و ۷/۴ میلیارد ریال مالیات های متفرقه بوده است. این ارقام نشان می دهد که بخش اعظم این نوع مالیات نیز توسط حقوق بگیران پرداخت شده، در صورتی که تعداد و میزان مشاغل آزاد، بسیار بیش از تعداد و درآمد شاغلین حقوق بگیر است.

این نسبت ناهمراه در بودجه سال جاری که به تصویب مجلس هم رسیده، همچنان رعایت شده است: "... هم اکنون درآمدهای پیش بینی شده مالیاتی ما در سال ۶۲، ۸۵۷ میلیارد است که امیدواریم بیش از این مقدار در سال آینده درآمد حاصل شود به طوری که جبران کسری های دولت را بکنند... از این مبلغ ۶۰ میلیارد آن مالیات بر حقوق است. ۲۰ میلیارد مالیات بر مشاغل و بخش خصوصی است و ۲۵۲/۸ میلیارد ریال هم مالیات بردرآمد شرکت هاست که باید بپردازند. همان طور که ملاحظه می کنید اگر بر مبنای این آمار پیش بینی شده حساب

کنیم، مالیاتی که از طریق مشاغل به دست می آید، نصف مالیاتی است که از طریق حقوق به دست می آید، یعنی کارمندان حقوق بگیر ما دو برابر صاحبان مشاغل آزاد مالیات خواهند پرداخت. در حالی که درآمد واقعی شغل های آزاد خیلی بیشتر از کارمندان است..." (اطلاعات - ۸ فروردین ۶۲).

علاوه بر این مطلب، اخذ مالیات از حقوق بگیران برای دولت مشکلی ایجاد نمی کند، زیرا درصد مالیات و لیست های حقوقی آنان مشخص است و همراه مبلغی به عنوان مالیات از حقوق آنان کسر می شود. در حالی که تعیین درآمد واقعی بخش خصوصی و بازار - اگر به پرداخت مالیات "رضایت" بدهند - که به راحتی می توانند با دست بردن در "دفتر قانونی" خود، از میزان درآمدشان بکاهند، دشوار است. به ویژه در همین شرایط که به طور کلی جلب رضایت آنان، توصیه اکید بالاترین مقام جمهوری اسلامی است و پیش از هر چیزی، مسئله اخذ و پرداخت مالیات را به زیر علامت سؤال کشانده است.

تأثیر برد این "توصیه" به همین جا ختم نمی شود. اثرات ویرانگر و بحران زای آن بر بودجه کشور و پیاده کردن به اصطلاح طرح ها و برنامه های پیش بینی شده، به ویژه قابل تأمل است. عدم تأمین درآمدهای دولت، پیدایی تفاوت فاحش تر بین هزینه ها و درآمدها و در نتیجه کسری بیشتر بودجه از جمله بی آمدهای آنست که معمولاً با تولید بیشتر و فروش و عرضه نفت به بهای هر چه نازل تر جبران می شد. اکنون که اوضاع متشنج در خلیج فارس به نقطه انفجار خود رسیده است و جمهوری اسلامی برای از دست ندادن اندک هوای تنفسی خود، چوب حراج منابع نفتی کشور را به صدا در آورده است و هر پشه نفت را به بهای ۲/۵ دلار کمتر از قیمت چند روز پیش به فروش می رساند، باید پرسید اراکه این "توصیه" ها از چه انگیزه ای ناشی می شود و اهداف چه کسی را تأمین می کند؟! ●

جمهوری اسلامی در تدارك خرید يك ميليون نارنجك!

بقیه از صفحه ۱

فارس ایران، صادرات کلان این شرکت از امسال شروع می‌شود. این فارس عظیم سبب شده است یخداات ده سال آینده این شرکت نسیم گردد".

خرید یک میلیون نارنجک که شرکت پرزلی را هم انگشت به دهان ببران ساخته، تنها موردی از موارد نیکسار و نهانی است که دولت بردان جمهوری اسلامی دارای‌های مردم سببیت زده‌ها را به وسیله مرگ و برانی و تشدید قفسرو خانمانی آن‌ها تبدیل می‌کنند. این سر در عین حال نشان می‌دهد که سلولین جمهوری اسلامی کماکان بر دامه این جنگ بی‌پروا انجام پای می‌فرزند. مردم ما ابعاد ویرانگر این جنگ را به چشم می‌بینند. این جنگ "کومی از مصائب، فلاکت‌ها و ایرانی‌ها به بار آورده، سیاست ترور اختناق را در کشور تشدید می‌بخشد. هزینه‌های عظیم نظامی ژسویی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و سوچ و غیره از سوی دیگر، ضربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می‌آورد" (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۴ خرداد ۱۳۶۳) و تشدید جنگ و توسعه دامنه آن به

دیگر کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن برای تبدیل خاورمیانه به عرصه اجرای طرح‌های تجاوزگرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت‌های رهانی بخش ملی انطباق کامل دارد" (همانجا).

امپریالیست‌ها در عین حال و به انحاء گوناگون طرفین درگیر را به ادامه جنگ تشویق و ترغیب می‌کنند و محافل حاکمیت جمهوری اسلامی با پافشاری در طرح شرایط غیرواقعی و دست نیافتنی عملا به آن "لبیک" می‌گویند. بر این اساس اخیرا از سوی "انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک" مستقر در لندن، در مورد جنگ ایران و عراق، تحلیلی منتشر شده که از جمله در آن می‌خوانیم:

"اگر عراق بتواند ترتیب دریافت کمک کافی بدهد و جلو ورشکستگی اقتصادی و سیاسی خود را بگیرد در سال ۱۹۸۵، زمانی که خطوط جدید لوله نفتی که در حال ساختن آن است به اتمام برسد و حجم صادرات نفت افزایش یابد، از وضعیت بهتری برخوردار خواهد بود".

این تحلیل ادامه می‌دهد: "در زمینه نظامی، این کشور (عراق) از سلاح‌های سنگین به اندازه

کافی برخوردار است و عملکرد نیروهایش نیز بهتر شده است. این شرایط می‌تواند به یک ایستایی طولانی در جنگ بیانجامد که در نهایت می‌تواند دو کشور را از پای درآورد و آن‌ها را مجبور به قبول سازش نماید" (به نقل از میدل ایست اکونومیک دیجست-۱۸ مه ۱۹۸۴).

طبیعی است در چنین شرایطی، همان‌طور که تجربه دوساله اخیر نیز نشان داده است، سازش دو کشور از پای درآمده قبل و پیش از هر چیزی، سازشی است با امپریالیسم و در جهت تحقق امیال فارتکرانه و سلطه‌آور آن، هدف واقعی تحلیل مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک هم همین است. این مرکز امپریالیستی، با توجیه رضایت‌آمیز به سیاست حکام جمهوری اسلامی و خریدهایی از نوع آنچه که ذکر شد، ادامه جنگ را نه تنها تا سال ۱۹۸۵ بلکه برای مدت طولانی‌تری پیش‌بینی می‌کند.

برای مقابله با این هدف شوم امپریالیست‌ها و این سیاست خائنانه برانداز است که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۱۴ خرداد ۱۳۶۳ اعلام می‌دارد:

"ترک مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلق‌های هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و به زیان امپریالیسم است و هرچه زودتر باید عملی گردد. صلح، خواست عاجل توده‌های میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود".

است. چند میلیون آواره، صدها هزار کشته و مجروح، هزاران پل و خانه و کارخانه ویران شده، صدها هزار هکتار مزارع سوخته و بایر شده، اختصاص بخش اعظم بودجه عمومی کشور به جنگ، به کارگیری شیوه‌های باجگیری از زحمتکشان برای کمک به ادامه جنگ و... را دیدن و بیان اینکه "هنوز جنگ وارد زندگی ما نشده است" را چگونه باید تعبیر کرد؟ به جرأت می‌توان گفت که اثرات شوم و ویرانگر جنگ فقط به خانه تجار و سرمایه‌داران و صد رشیشان جدا از مردم نرسیده است.

اقتصاد جنگی که آقای نبوی وعده آن را می‌دهد مدخلی بر احیاء پرشتاب قراردادهای خرید تسلیحات از دول امپریالیستی و موتناژ جنگ افزار میهن ماست. به تعبیر دیگر دولت جمهوری اسلامی اکنون سیاست‌های رژیم شاه را در این زمینه هم ادامه می‌دهد.

مقاومت تاکسی رانان زحمتکش اهواز

اخیرا رانندگان تاکسی اهواز به مدت دو روز به اعتصابی اعلام نشده دست زدند. آن‌ها با تجمع مقابل فرمانداری خواست‌های خود را بدین شرح اعلام داشتند:

جایگزین کردن تاکسی‌های اسقاطی با تاکسی‌های نو، جلوگیری از ناپودی تاکسی‌های مستعمل، افزایش سهمیه بنزین، تأمین قطعات یدکی و ایجاد تعمیرگاه‌های ثابت.

تاکسی رانان زحمتکش اهواز برای دستیابی به این خواست‌ها، شرکت موثر نمایندگان واقعی خود را در تعاونی اتحادیه تاکسی رانان خواستار شده‌اند.

این تعاونی از مدتی پیش مورد توطئه مقامات و فرمانداری قرار گرفته است. ابتدا مسئولین انتخابی تعاونی، برکنار و عده‌ای از مقامات فرمانداری به جای آن‌ها منصوب شدند. سپس کلیه تاکسی‌ها و تسهیلات مختلف تنها در اختیار نورچشمی‌ها قرار گرفت. تاکسی رانان زحمتکش اهواز که از تجربه اتحادیه تاکسی رانان تهران در سال‌های ۶۱-۶۰ درس گرفته‌اند، در مقابل این توطئه به مقاومت پرداختند. این مقاومت در این مرحله با پیروزی نسبی پایان گرفت. مقامات فرمانداری پذیرفتند تا به خواست‌های تاکسی رانان ترتیب اثر دهند.

تاکسی رانان زحمتکش ایران از سنن مبارزاتی درخشانی علیه نظام استبداد سلطنتی برخوردارند. اکنون که سرکوب زحمتکشان بار دیگر در دستور کار رژیم قرار گرفته است، آن‌ها نیز صفوف خود را در این پیکار فشرده ترمی سازند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسمی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کارنامه ۲ ساله وزارت صنایع سنگین

بقیه از صفحه ۴

جنگ، جنگ

تسلط کامل سرمایه‌داری

"متأسفانه جنگ آن‌طور که باید و شاید، وارد زندگی و اقتصاد ما شده است... به اعتقاد من می‌بایست ما در شرایط جنگ، اقتصاد خودمان را به سمت یک اقتصاد جنگی سوق می‌دادیم و باید بدهیم... بسیاری از واحدهای تولیدی صنایع سنگین قابلیت این کار را داشته و دارند که مستقیم در خدمت اهداف جنگ قرار گیرند... ما پایستی همان‌طور که در سیاست و جنگ انقلابی عمل می‌کنیم در برخورد با مسائل اقتصادی هم انقلابی عمل کنیم و در این مسیر مردم را به صرفه‌جویی و قناعت دعوت کنیم".

به راستی که بیان این‌گونه مطالب از زبان یک مقام مسئول دولتی، دلیل بارزی بر جدایی حکومت از مردم

اثرات ویرانگر جنگی که به اراده و ضربیک امپریالیسم آمریکا بین دو کشور همسایه ایران و عراق آغاز شد و همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی میهنمان آشکار است. جنگ دست راستگرایان حاکمیت جمهوری اسلامی به حربه‌ای برای قف بیشتر برنامه ریزی بلند مدت فعلی کشور بدل شد و ادامه لجرجانه باعث ناپودی نیروی کار جوان شور در جبهه‌ها و امحاء منابع اقتصادی کشور شده است. پس از این به مرگ و ویرانی، آقای نبوی معتقد است که هنوز باید در این راه ام‌های دیگری برداشته شود:



فضای کیهانی باید عاری از سلاح‌های هسته‌ای باشد

دولت اتحاد شوروی، باردیگر خواستار شد برای جلوگیری از کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی اقدامات جدی به عمل آید. در بیانیه دولت اتحاد شوروی که از سوی خبرگزاری تاس منتشر شد و در اختیار دولت ایالات متحده آمریکا نیز قرار گرفت، خاطر نشان شده است، گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی، خطر فاجعه هسته‌ای را افزایش می‌دهد و دورنمای کاهش و تحدید تسلیحات را برهم می‌زند. باید با به خدمت گرفتن تمام امکانات کوشید از نظامی کردن فضای کیهانی جلوگیری شود، هیچ‌گونه سلاحی از جمله سلاح‌های متعارفی، هسته‌ای، لیزر و مولکولی و یا هرگونه سلاح دیگر به فضای کیهانی منتقل نشود و در هیچ سیستم سرنشین‌دار و غیره در فضا مستقر نگردد.

طبق پیشنهاد اتحاد شوروی، نباید هیچ‌گونه سلاح فضایی برای دفاع ضد موشکی و یا سیستم‌های ضد ماهواره‌ای، سلاح‌هایی برای کاربرد علیه اهدافی روی زمین و یا در فضا ساخته شود. آزمایش کرده و یا مستقر شود. سلاح‌های موجود از این نوع باید نابود گردند. کاربرد زور در فضای کیهانی و یا از فضا علیه کره زمین و یا از زمین علیه اجسام فضایی باید برای همیشه ممنوع گردد.

دولت اتحاد شوروی به دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرده است تا هیأت‌های نمایندگی دو کشور مذاکراتی پیرامون جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهانی انجام دهند. در این مذاکرات باید مسئله چشم‌پوشی طرفین از استفاده از سیستم‌های ضد ماهواره‌ای مورد مذاکره قرار گیرد و به نتیجه رسد.

اتحاد شوروی پیشنهاد کرده است این مذاکرات از سپتامبر آینده در وین، اتریش، آغاز گردد.

اتحاد شوروی همچنین پیشنهاد کرده است در روز شروع مذاکرات «هراتوریوی پیرامون آزمایش و استقرار سیستم‌های سلاح‌های مذکور منتشر شود تا شرایط مناسبی برای حصول توافق ایجاد گردد و اقدامات عملی در این جهت انجام گیرد.

عکس‌العمل‌های دولت آمریکا، در برابر این پیشنهاد و پیشنهاد‌های مشابه قبلی اتحاد شوروی حاکی از عدم رضایت برای انجام چنین مذاکرات و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی است. جوابیه دولت آمریکا به پیشنهاد جدید اتحاد شوروی، نشانه آنست که این کشور خواهان به سرانجام رسیدن این مذاکرات نیست. و از این رو مسائل دیگری، از جمله مسئله مذاکرات پیرامون موشک‌های میانبرد را نیز به میان می‌کشد، مسئله‌ای که در پی استقرار آن‌ها از سوی آمریکا در اروپای غربی با بن‌بست مواجه شده است آمریکا در صدد است با توسل به این شیوه‌ها از انجام مذاکرات پیرامون سلاح‌های کیهانی که خود سخت در تکاپوی آزمایش و تکامل سیستم‌های جدیدی از این نوع است جلوگیری کند. ایالات متحده آمریکا می‌خواهد با عقب انداختن مذاکرات و جلوگیری از انجام آن زمان کافی برای تحقق برنامه‌های تسلیحاتی خود در این عرصه ایجاد کند.

چنانکه در بیانیه تاس پیرامون جوابیه دولت آمریکا به پیشنهاد جدید اتحاد شوروی خاطر نشان شده است، دولت آمریکا خواهان تبدیل فضای کیهانی به محل استقرار سلاح‌های امحاء جمعی است. اتحاد شوروی در راه مذاکرات پیرامون چنین مسئله‌ای که برای تمامی کشورها اهمیت حیاتی دارد قائل به هیچ پیش‌شرطی نیست و آن را قاطعانه رد و محکوم می‌کند. تاس تأکید کرده است پیشنهاد اتحاد شوروی علی‌رغم عکس‌العمل منفی و مغرب ایالات متحده آمریکا همچنان معتبر است و اتحاد شوروی امیدوار است دولت آمریکا نسبت به این پیشنهاد جدی‌تر و مسئولانه‌تر برخورد کند.

بحران در بولیوی

هفته گذشته، عده‌ای از افسران نیروهای مخته نظامی و انتظامی بولیوی کوشیدند با ربودن سرد سپلس سوازو، رئیس جمهور بولیوی به یک کودتای نظامی در این کشور دست بزنند. ربایندگان رب جمهور هنگامی که از عدم موفقیت اقدام با یقین حاصل نمودند، پس از ۱۰ ساعت وی را آزاد ساختند. رهبری ارتش و سندیکا‌های کارکن بولیوی، این عمل را محکوم کردند و از رئیس جمهور سپلس سوازو پشتیبانی به عمل آوردند. آن همچنین بر پیروی خود از قانون اساسی کشور تأکید کردند.

با وجود شکست توطئه کودتایی در بولیوی، بحر همچنان ادامه دارد. سندیکا‌های کارگری ا کشور، چند روز پس از شکست توطئه کودتای دست اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی از دولت می‌طلبند که کام‌های عملی در جهت مبارزه با تورن بهبود وضع زحمتکشان بردارد و اقتصاد این کشور را از بحران عمیقی که هر روز بر طرف‌های آن افزوده می‌گردد، خارج سازد. سپلس سوازو، پس از آن، از اسارت کودتاچیان قول داده بود با کمک ت نیروهای ملی و دمکراتیک، برنامه‌ای عملی بر مقابله با تورم و بی‌کاری تدوین و به مرحله اجرا گذارد.

قابل توجه خوانندگان گرامی!
با انتشار مجدد روزنامه "توده" مردم، مارکاز مرکزی حزب توده ایران، آدرس ارتباطی نشریه "راه توده" فقط ویژه وظایف مربوط به این نشریه است.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
اسپانیا
هزینه جانب این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

RAHE TUDEH
No. 97
Monday, 9 July 84
Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 50 Cts.
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.



شدن حجاب توسط جنایتکاران پول پوتی می‌نالد، اما در مورد تحمیل اجباری حجاب از سوی جمهوری اسلامی به زنان کشور ما سکوت می‌کند. آقای رفسنجانی نمی‌گوید؛ جهت اجرای این تحمیلات گشت‌های گوناگون به کار افتاده اند و به آن‌ها این اختیار داده شده که حتی بدون حکم قاضی، زنان میهن ما را به خاطر آشکار شدن چند تار مو، به تخت شلاق ببندند.

چنانچه بخوامیم تشابه عملکردهای تبهکارانه جمهوری اسلامی و رژیم پول پوت را ادامه دهیم، مغربی هفتاد من کاغذ می‌شود. اما اگر خواسته باشیم مسئله را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم:

جنایاتی که پول پوت در زیر پرچم سرخ و بهانه مارکسیسم مرتکب شده، امروز از سوی سردمداران جمهوری اسلامی در زیر پرچم سبز و بهانه اسلام انجام می‌گیرد!

روح پول پوتیسم

بقیه از صفحه ۷

قربانی جان باخته به جرتقیل آونگ شده بود، حد تساوت و ددمنشی خود را به ناپیش نگذاشتید؟ شما حتی از دفن اجساد قربانیان غیر مذهبی خود، تحت این عنوان که مسلمان نیستند، مانعت به عمل می‌آوردید و اجساد آن‌ها را در بیابان‌ها رها می‌کنید. آیا جمهوری اسلامی به نام "جهاد در راه خدا" در کردستان و سایر مناطق ملی ایران قوم کشی راه نینداخته است؟ آقای رفسنجانی! آیا ما مورین اجرایی شما تحت عنوان اجرای "حدود اسلامی" و "قصاص" دست و پا نبردند، سنگسار نکردند و هزاران جنایت دیگر انجام ندادند و نمی‌دهند؟ در بخشی دیگر آقای هاشمی رفسنجانی از ممنوع